

به نام دادار داد آفرین

**جزوه جمع بندی ادبیات یازدهم
(همه رشته ها)**

مؤلف: دکتر سیدرضا حسینی یکتا

فهرست مطالب

۱. دستور زبان فارسی..... ۱
۲. تدریس آرایه ۱۳
۳. نمونه مثال آرایه‌ها..... ۱۹
۴. لغت و املاء..... ۲۴
۵. تاریخ ادبیات..... ۲۸
۶. معنا و مفهوم – نکات درس‌ها..... ۳۱
۷. آزمون‌ها ۴۱
۸. سؤالات تمرین در خانه ۶۱

دستور

۱. دستور زبان فارسی ۲. آرایه‌ها ۳. لغت ۴. املاء
۵. معنا و مفهوم ۶. شعر حفظی ۷. تاریخ ادبیات

۱. دستور زبان فارسی:

- (۱) نقش‌ها (۲) جمله اسنادی (۳) نقش‌ها
(۴) نقش‌های تبعی (۵) وابسته وابسته (۶) ترکیب وصفی و اضافی
(۷) انواع «واو» (۸) انواع «ان» (۹) حذف لفظی و معنوی
(۱۰) شیوه عادی و بلاغی (۱۱) زمان فعل (۱۲) معانی فعل
(۱۳) کلمات هم‌آوا (۱۴) کلمات دو تلفظی (۱۵) نقش ضمائر
(۱۶) هم‌پایه - وابسته (۱۷) انواع «را»

(۱) نقش‌ها:

الف	ب	ج
۱. مضاف‌الیه (اضافی)	۵. بدل	۷. نهاد
۲. صفت (وصفی)	۶. قید	۸. مسند
۳. متمم		۹. مفعول
۴. معطوف		۱۰. منادا

(۱) صفت و (۲) مضاف‌الیه:

آتش سوزان: آتش چگونه است؟ سوزان است.

- آتشِ عشق : (آتش چگونه است؟ آتش عشق است = معنا نمی‌دهد

مضاف‌الیه

تذکر: آتشِ سوزان (آتشی سوزان)

صفت

- آتشِ عشق (آتشی عشق)

مضاف‌الیه

تذکر: به کلمه قبل «مضاف‌الیه»، مضاف می‌گویند و به مضاف و مضاف‌الیه، ترکیب اضافی می‌گویند.

مثال: کتاب تاریخ = ترکیب اضافی

مضاف مضاف‌الیه

- به کلمه قبل «صفت» موصوف می‌گویند و به موصوف و صفت، ترکیب وصفی می‌گویند.

مثال: کتاب موصوّر = ترکیب وصفی

موصوف صفت

تذکر: صفت به پیشین و پسین، تقسیم می‌شود.

صفات پیشین شامل کلمات: اشاره (این - آن - چنین - چنان - همین - همان) - مبهم (هر - همه - چند - هیچ - دیگر - فلان)

- پرسشی (چه - چقدر - چند - کدام) - تعجبی (چه - چقدر - چند - عجب)

- شمارشی (یک - دو - سه - اولین - دومین) - عالی (بهترین - بدترین ...)

که بعد از کلمات نام برده شده، اسمی بیاید که متعلق به آن نامبرده باشد به این کلمات نامبرده شده «صفت» می‌گویند.

مثال: این کتاب را بیاور / این را بیاور

صفت پیشین ضمیر

تذکر: این کتاب: ترکیب وصفی پیشین

صفت موصوف

۳) نقش متمم:

حروف اضافه عبارتند از: از (ز) - به - با - بر - در (اندر) - برای (بهر) - بدون

به کلمات بعد از حروف اضافه، متمم می‌گویند.

مثال: از خانه به مدرسه با پدر حرف زدم

اضافه متمم اضافه متمم اضافه متمم

تذکر: حروف نامبرده اگر قبل از فعل بیاید حروف اضافه نیستند.

او به خانه درآمد و از پله‌ها برآمد

حرف پیشوندی حرف پیشوندی

تذکر: حروف اضافه: چون (چو) - همچون - به کردار - به سان - سوی - جهت - ...

- کلمه «چون» زمانی حرف اضافه است که معنای مانند بدهد.

تذکر: حسین را پرسیدند - از حسین پرسیدند

متمم متمم

۴) معطوف:

حروف عطف عبارتند از: و - یا به کلمه بعد از حرف عطف، معطوف می‌گویند.

مثال: کتاب (و) دفتر خریدم

عطف معطوف

تذکر: انواع «واو» عبارتند از: (۱) عطف (۲) ربط

(حرف «واو» انواع دیگری هم دارد)

قبل از «واو ربط» فعل وجود دارد.

مثال: حسین به خانه آمد (و) رضا را دید.

فعل ربط

تذکر: به خانه آمد حسین (و) رضا را دید (حسین به خانه آمد و رضا را دید)

فعل ربط

تذکر: کتاب ارزشمند و دلنشین: دو ترکیب وصفی

صفت صفت

(۵) نقش بدل (۶) نقش قید

بدل: برادرِ رسول با من سخن گفت (کلمه قبل خود را توضیح می‌دهد و حذف آن تأثیری در جمله ندارد)

بدل

تذکر: برادرِ رسول است = رسول «بدل» نیست اگر از جمله حذف شود جمله بی‌معنا می‌شود.

مثال‌های مختلف بدل:

- حافظ (و) شاعر بزرگ قرن هشتم (و) غزل‌سرا بود

بدل

- تو خود می‌دانی

بدل

قید: کلمه‌ای است که شامل زمان (شب - روز)، مکان (بالا - پایین)، حالت (خندان - پریشان)، مقدار (کم - زیاد ...)، نفی (هرگز ...)

می‌دهد و حذف آن جمله را بی‌معنا نمی‌کند.

برای مقایسه:

(۱) کارِ امروز را انجام بده

مضاف‌الیه

(۲) امشب و امروز را استراحت کن

معطوف

(۳) امروز را رها کن = قید نیست (حذف آن جمله را بی‌معنا می‌کند)

مفعول

(۴) امروز به پدر و مادرت محبت کن: جمله آخر قید است.

قید

کلمات تنوین دار (نسبتاً - اتفاقاً - حتماً ...)

و کلماتی مثل: هرگز - همواره - همیشه - پیوسته - قید می باشند.

- کلمه «چون» اگر معنای «مانند» ندهد قید می باشد.

تذکر: نقش های تبعی:

(۱) معطوف (۲) بدل (۳) تکرار

تکرار: حسین حسین بیا

تکرار

تکرار دو کلمه عین هم و به یک معنا می باشد که به کلمه تکراری دوم، «تکرار» می گویند.



۷) نهاد:

من به مدرسه رفتم / به مدرسه رفتم (من محذوف)

نهاد

تذکر: صیغه سوم شخص (رفت - رفتند)

(۱) دانش آموزان به مدرسه رفتند ← دانش آموزان = نهاد

(۲) آنها به مدرسه رفتند ← آنها = نهاد

(۳) به مدرسه رفتند ← نهاد محذوف

تذکر: نهاد در فعل امر (دوم شخص)

تو از خانه برو / از خانه برو (نهاد محذوف)

نهاد فعل امر فعل امر



۸) مسند:

بررسی مسند، نیاز به شناخت فعل اسنادی دارد (در ادامه جزوه بررسی می شود)، نقش های گروه «الف» و «ب» را بررسی می کنیم

و بعد به نقش «مسند» می پردازیم.

مثال: برادرم رسول در مقایسه با دوستان خود واقعاً عاقل و هوشمند است.

در مقایسه / با دوستان خود / و هوشمند

متمم مضاف الیه معطوف

جمله باقیمانده: برادرم رسول واقعاً عاقل است.

بدل قید

جمله باقیمانده: برادرم عاقل است.

مسند فعل

۹) نقش مفعول:

در جواب «چه کسی را» یا «چه چیزی را» می‌آید، نقش‌های گروه «الف» و «ب» بررسی شود بعد به نقش مفعول پرداخته شود.

مثال: کز نیستان تا مرا ببریده‌اند

مفعول فعل

تذکر: دوستم گفت که درس‌ها را با دقت بخوان

نهاد فعل مفعول

مثال فوق، «مفعول» فعل «گفت» کل جمله بعد از آن است.

اگر چه «درس‌ها» مفعول برای فعل «بخوان» می‌باشد.

۱۰) منادا:

ای سعدی / سعدیا (معادل: ای سعدی)

منادا منادا

تذکر: گاهی اوقات حرف ندا حذف می‌شود.

مثال: سعدی به روزگاران مهری نشسته بر دل

منادا (ای سعدی)

تذکر: گاهی اوقات «منادا» حذف می‌شود.

مثال: ای برتر از همه = ای کسی که از همه برتر هستی

جمله اسنادی (چندجزیی):

به دو گروه فعل‌ها تقسیم می‌شود: (۱) گروه الف (۲) گروه ب

(۱) گروه الف: شامل فعل‌های: است (هست) / بود / باشد (بُود) / شد (شود) / گشت (گردد)

تذکرات:

الف) فعل‌های نامبرده، نباید معنای «وجود داشتن» یا «قرار دادن» بدهد وگرنه اسنادی نیست.

برای مقایسه:

جای هیچ اکراه نیست = اسنادی نیست

اکراهی وجود ندارد

از حال ما آگاه نیست: اسنادی

ب) فعل شد (شود)

چو پیش پدر شد سیاووش پاک = اسنادی نیست

رفت

- گفت نزدیک است والی را سرای آنجا شویم: اسنادی نیست

برویم

ما دوباره سبز می شویم: اسنادی

(ج) فعل گشت (گردد)

- زمین به دور خورشید می گردد ← می چرخد = اسنادی نیست

- زمین گشت روشن تر از آسمان ← زمین روشن تر شد: اسنادی

تذکر: گفت مستی زان سبب افتان و خیزان می روی

مست هستی: اسنادی

گفت از نقشهٔ راه آگاهم (آگاه هستم) = اسنادی

تذکر: اسنادی نوع اول شامل سه رکن: (۱) نهاد (۲) مسند (۳) فعل است.

اسنادی نوع دوم، شامل فعل های:

خواند	گردانید	صدا زد	به حساب آورد
نامید	پنداشت	دید	به شمار آورد
دانست	شمرد	گفت	به بار آورد
ساخت	انگاشت	یافت	کرد (کند)

فعل های نامبرده اگر معنای «گردانیدن - نامیدن - پنداشتن» بدهد، اسنادی نوع دوم است.

برای مقایسه:

الف) من درس هایم را عالی خواندم = اسنادی نیست

ب) من او را مرد خواندم ← نامیدم = اسنادی

- من خانه ای از گل ساختم = اسنادی نیست

- من او را آگاه ساختم ← گردانیدم = اسنادی

تذکر: اسنادی نوع دوم از چهار رکن ساخته می شود.

(۱) نهاد (۲) مفعول (۳) مسند (۴) فعل

مثال: من از میان همهٔ دوستانم او را مرد خواندم (نامیدم)

من او را مرد نامیدم

نهاد مفعول مسند فعل

تذکر: فعل «گفت» (گوید) می تواند به جای «مفعول» از «متمم» ساخته شود.

مثال: همه به او در میان جمع دکتر می گفتند (می نامیدند)

نهاد متمم مسند فعل

شیوه عادی و بلاغی

اگر اجزای جمله، به ترتیب ذکر شود به آن شیوه عادی می‌گویند در غیر این صورت شیوه بلاغی می‌گویند.

تذکر: اجزای جمله به ترتیب: «نهاد ... مسند - فعل» می‌باشد ولی قید می‌تواند زودتر از نهاد ذکر شود.

مثال: من به هر جمعیتی نالان شدم / جفت بدحالان و خوش حالان شدم

بلاغی

عادی

سینه خواهم شرحه شرحه از فراق / تا بگویم شرح درد اشتیاق

بلاغی = سینه‌ای شرحه شرحه از فراق می‌خواهم

تا شرح درد اشتیاق را بگویم = بلاغی

تذکر: خصوصاً فعل جابه‌جا شده باشد

تذکر: اگر ضمیر جابه‌جا شود یا رای «فک اضافه» باشد شیوه بلاغی است.

مثال: فلک را سقف بشکافیم ← سقف فلک را بشکافیم



انواع حذف

(۱) حذف به قرینه لفظی (۲) حذف به قرینه معنوی

حذف به قرینه لفظی: در دو جمله ذکر می‌شود که کلمه‌ای در جمله اول ذکر می‌شود و در جمله بعد ذکر نمی‌شود (یا بالعکس)

مثال: منت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربت است (و) به شکر اندرش مزید نعمت (است)

فعل «است» در جمله اول ذکر شده است و در جمله دوم حذف شده است.

مثال: تن ز جان و جان ز تن مستور نیست

(تن ز جان مستور نیست و جان ز تن مستور نیست)

تذکر: غالباً حرف «واو ربط» تأثیر زیادی در حذف به قرینه لفظی دارد.

حذف به قرینه معنوی: کلمه‌ای یا عبارتی در یک جمله حذف می‌شود بدون آنکه نشانی بر حذف آن باشد.

مثال: عیدتان مبارک ← عیدتان مبارک باد

مثال: عشق دریایی کرانه ناپدید / کی توان کردن شنا ای هوشمند

عشق دریایی کرانه ناپدید = حذف به قرینه معنوی

آیینۀ نگاهت پیوند صبح و ساحل

آیینۀ نگاهت پیوند صبح و ساحل است

بنده همان به که ز تقصیر خویش

بهتر است

ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم / ای کسی که از خیال ... برتر هستی

کلمات هم آوا

کلماتی که در تلفظ یکسان هستند ولی در نوشتن یکسان نیستند.

مثال: ثواب ≠ صواب / حیات ≠ حیاط / قاضی ≠ غازی / منصوب ≠ منسوب / سبا ≠ صبا / بحر ≠ بهر / جامه ≠ جامع

کلمات دوتلفظی

آسمان ≠ آسِمان / روزگار ≠ روزِگار / مهربان ≠ مهرِبان

نقش ضمائر

ضمایر «م - ت - ش - مان - تان - شان» سه نقش می پذیرند.

به ترتیب: (۱) مضاف‌الیه (اضافی) (۲) متمم (۳) مفعول

مثال: دوش وقت سحر از غصه نجاتم داد

(۱) نجاتِ من دادند: مضاف‌الیه نیست

(۲) به من نجات دادند: متمم نیست

(۳) مرا نجات دادند: مفعول

مثال: و اندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند

(۱) آب حیاتِ من دادند: مضاف‌الیه نیست

(۲) و اندر آن ظلمت شب به من آب حیات دادند: متمم

مثال: این همه شهد و شکر کز سخنم می‌ریزد

این همه شهد و شکر کز سخنِ من می‌ریزد: مضاف‌الیه

تذکر: جابه‌جایی ضمیر (جهش ضمیر)

گفتم بینمش مگر درد اشتیاق / ساکن شود بدیدم و مشتاق تر شدم

مگر درد اشتیاقِ من ساکن شود

مضاف‌الیه

معانی فعل

گرفت (گیر)

(۱) من یقه او را گرفتم ← گرفتن در معنای خود کلمه

(۲) خدایا بر بندگان مگیر ← بازخواست مکن

(۳) فلانی بر من مگیر ← عیبجویی مکن

(۴) او را در خیابان گرفتند ← دستگیر کردند

(۵) فلانی ما را گرفتی ← مسخره کردی

(۶) گیرم که تو دعوا نکردی ← فرض کنیم که تو ...

(۷) ز کردار بد پوزش اندر گرفت ← شروع کرد به پوزش و عذرخواهی

فعل ساخت:

(۱) من خانه‌ای از گل ساختم ← در معنای خود کلمه

(۲) من در دعوا با او ساختم ← سازش کردن - مدارا کردن

(۳) من او را آگاه ساختم ← گردانیدم اسنادی

(۴) جنگ آتش بساخت ← آماده جنگ با آتش شد

زمان فعل:

(۱) ماضی (۲) مضارع (۳) امر (۴) مستقبل

(۱) ماضی ساده: رفتم - رفتی - رفت ...

(۲) ماضی استمراری: می‌رفتم - می‌رفتی - می‌رفت ...

تذکر: همی‌رفت / رفتمی: می‌رفتم

(۳) ماضی نقلی: بن ماضی + ه (صفت مفعولی) + ام ایم

اید ای

است اند

گفته‌ام / گفته‌ای ...

(۴) ماضی بعید: بن ماضی + ه (صفت مفعولی) + بود

گفته بودم / گفته بودی / گفته بود ...

(۵) ماضی التزامی: بن ماضی + ه (صفت مفعولی) + باش

گفته باشم / گفته باشی / گفته باشد ...

(۶) ماضی مستمر: داشت + شناسه + ماضی استمراری

داشتم می‌رفتم / داشتی می‌رفتی / داشت می‌رفت ...

تذکر: داشتم از مدرسه می‌آمدم + ماضی مستمر

مضارع:

(۳) مستمر

(۲) التزامی

(۱) اخباری

مضارع اخباری: می + بن مضارع + شناسه

می‌روم / می‌روی / می‌رود ...

تذکر: همی‌روم / خروشد همی (می‌خروشد)

مضارع التزامی: ب + بن مضارع + شناسه

بروم / بروی / برود ...

تذکر: اگر درس خوانی قبول شوی

التزامی: بخوانی می‌شوی: اخباری

مضارع مستمر: دار + شناسه + مضارع اخباری

دارم می‌روم / داری می‌روی / دارد می‌رود ...

تذکر: دارم از مدرسه می‌آیم: مضارع مستمر

فعل امر: ب + بن مضارع = برو / رو

ب + بن مضارع + شناسه: بروید / بزنید

تذکر: می‌شناس (بشناس): امر مستمر

فعل مستقبل: خواه + شناسه + سوم شخص مفرد

خواهم رفت / خواهی رفت / خواهد رفت ...

جملات هم‌پایه / جملات وابسته

پیوندهای هم‌پایه عبارتند از: اما - ولی - لیکن - «واو» و «یای» ربط

کلمات هم‌پایه دو جمله ماده را به هم وصل می‌کند (یعنی کلمات هم‌پایه مرکب‌ساز نیستند)

مثال: حسین آمد (اما) بعد از خوردن غذا، درس‌هایش را نخواند

جمله ساده جمله هم‌پایه جمله ساده

پیوندهای وابسته‌ساز

پیوندهای وابسته‌ساز عبارتند از: که - چون - تا - اگر - زیرا - گرچه - با اینکه - هر چند - هر که

تذکر: که (زیرا که - هر چند که - هر که - با اینکه) / اگر (گرچه - گر - ار) / چون (چو) ← معنای مانند ندهد.

مثال: اگر درس‌ها را با دقت مطالعه کنید در امتحانات موفق می‌شوید

جمله وابسته (پیرو)

پایه (هسته)

تذکر: پیوندهای وابسته‌ساز، جمله مرکب می‌سازند که به جمله‌ای که پیوند وابسته‌ساز در آن وجود دارد جمله وابسته می‌گویند و جمله‌ای که سبب کامل شدن جمله وابسته می‌شود جمله «پایه» (یا هسته) می‌گویند.

(۱۷) انواع «را»: ۱- فک اضافه ۲- اضافه ۳- مفعولی (نشانه)

برای مقایسه:

۱. نزدیک است والی را سرای آن جا شویم ← سرای والی نزدیک است ← «را»ی فک اضافه

(والی = مضاف‌الیه / سرای والی = ترکیب اضافی / شیوه بلاغی)

۲. «را»ی اضافه: حسین را پرسیدند ← از حسین پرسیدند (حسین: متمم)

۳. «را»ی مفعولی (نشانه): کتاب تاریخ را بیاور

ادامه دستور:

صفات بیانی: ۱. صفت مفعولی ۲. صفت لیاقت ۳. صفت نسبی ۴. صفت فاعلی ۵. صفت ساده (مطلق) ۶. صفت شمارشی ترتیبی

۱. صفت مفعولی: بن ماضی + ه: گفت + ه = گفته / خورده

۲. صفت لیاقت: بن ماضی + ن (مصدر) + ی: ستود + ن + ی: ستودنی / گفتنی / شنیدنی / وار: شاهوار

۳. صفت نسبی: ین - ینه - انه - انی / ی در آخر اسم

ین: زرّین / ینه: زرینه / انه: مردانه / انی: جسمانی / ی: زمینی

۴. صفت فاعلی: الف - نده - ان - ار - گر - گار

الف: بن مضارع + ا = بینا - گویا - شنوا / نده: بن مضارع + نده: بیننده - گوینده

ان: بن مضارع + ان = نالان - خندان ← تذکر: صفت + ان: شادان

ار: بن ماضی + ار: خریدار - دیدار / بن ماضی یا مضارع + گر - گار: رفتگر - آموزگار

تذکر: صفت فاعلی به شکل واژه مرکب دیده می‌شود. مثال: جنگجو (اسم + بن مضارع) ← جنگ جوینده

فعل معلوم و مجهول:

فعل ماضی: خورد = خورده شد / فعل مضارع: می‌برد - برده می‌شود

حسین غذا را خورد غذا خورده شد

نهاد مفعول

تذکر: در نشر و نظم قدیم به جای فعل «شد» از فعل «آمد» یا «گردید» و به جای فعل کمکی «شود» از «آید» یا «گردد» استفاده می‌شود.

مثال: گفته آید در حدیث دیگران = گفته شود

- که پیغامی است سوی بونصر دریایی، تا داده آید: داده شود

- به مستحقان و درویشان دهند شکر این را و نبشته آمد = نوشته شد

وابسته پیشین / وابسته پسین

وابسته پیشین: ۱. شاخص ۲. ممیز ۳. صفات پیشین (ترکیب وصفی پیشین)

۱. شاخص: لقب + اسم انسان (بدون فاصله)

دکتر حمیدی آمد. / استاد زرین کوب بزرگمردی بود.

شاخص شاخص

۲. ممیز: واحد شمارش انسان - اشیاء - موجودات

دو جلد کتاب / چند تخته فرش / چهار فروند هواپیما

ممیز ممیز ممیز

۳. صفات پیشین:

الف) اشاره: این - آن - همین - همان - چنین - چنان

ب) مبهم: هر - همه - هیچ - دیگر - فلان - برخی - بعضی / چند

ج) پرسشی: چه - چقدر - چند - کدام

د) تعجبی: چه - چقدر - چند - عجب

ه) شمارشی اصلی: یک - دو - سه ... / شمارشی ترتیبی: اولین - دومین - سومین ...

ی) عالی: بهترین - بدترین

بعد از کلمات نامبرده شده اسمی ذکر شود به این کلمات صفات پیشین می گویند.

این کتاب را بیاور / همه دانش آموزان آمدند

صفت پیشین صفت پیشین

وابسته پسین: ۱. مضاف الیه ۲. صفت شمارشی ترتیبی نوع دوم: دوم - هشتم ۳. صفت بیانی

کتاب ارزشمند / کتاب تاریخ / خوان هشتم

صفت مضاف الیه صفت

هسته: کلمه‌ای است که نه وابسته پیشین است و نه وابسته پسین

دو جلد کتاب ارزشمند مصور

صفت ممیز هسته صفت صفت

رابطه‌های معنایی:

۱. تضاد ۲. مترادف ۳. تناسب ۴. تضمن

۱. تضاد: زشت و زیبا ۲. مترادف: سوگند و قسم ۳. تناسب: کتاب و دفتر

۴. تضمن: صفحه و کتاب (در تضمن یکی از واژه‌ها) زیرگروه یا جزیی از دیگری است.

سیر و بیزار: ترادف / سیر و گرسنه: تضاد / سیر و پیاز: تناسب / سیر و گیاه: تضمن

تحول واژه‌ها:

الف) واژگانی که با همان معنای قدیم می‌باشند: شادی - گریه - خنده
 ب) واژگانی که حذف شدند (به خاطر مسایل سیاسی - فرهنگی و مذهبی و اجتماعی): فتراک - برگستوان - سوفار - گبر - خیل‌تاش

پ) معنای قدیم را از دست دادند و معنای جدید پذیرفتند: کثیف - سوگند - شوخ - دبیر - کافی

ت) هم معنای قدیم و هم معنای جدید: سپر - یخچال - رکاب - زین - شمع - پروانه

مبحث آرایه‌ها

(۱) اسلوب معادله	(۲) حُسن تعلیل	(۳) حس آمیزی	(۴) اغراق
(۵) استعاره	(۶) تشخیص	(۷) جناس	(۸) کنایه
(۹) مجاز	(۱۰) تشبیه و ارکان آن	(۱۱) سجع	(۱۲) تلمیح
(۱۳) ایهام	۱۴. تضمین		

آرایه‌هایی در امتحان تشریحی مهم‌تر هستند که در کتاب دوازدهم به آن پرداخته شده (مثل اسلوب معادله) یا در قلمروها آن‌ها بیشتر توجه شده است (مثل حسن تعلیل - اغراق - استعاره - تشبیه ...)

(۱) اسلوب معادله:

عشق چون آید برد هوش دل فرزانه را / دزد دانا می‌کشد اول چراغ خانه را
 دو مصراع در ظاهر ارتباطی با هم ندارند ولی در معنا و مفهوم یکسان هستند.
 دومی مصداقی برای اولی است و جای دو مصراع را می‌توان جابه‌جا کرد.
 به طرف دوم غالباً تمثیل می‌گویند.

مثال: عشق بر یک فرش بنشاند گدا و شاه را / سیل یکسان می‌کند پست و بلند راه را

تمثیل

جدی

شانه می‌آید به کار زلف در آشفستگی / آشنایان را در ایام پریشانی بپرس

تمثیل

جدی

محرم این هوش جز بی‌هوش نیست / مر زبان مشتری جز گوش نیست

تمثیل

جدی

مستمع صاحب سخن را بر سر کار آورد / غنچه خاموش بلبل را به گفتار آورد

تمثیل

جدی

ز یزدان دان از ارکان که کوتاه دیدگی باشد / که خطی کز خرد خیزد تو آن را از بنان بینی
چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان؟ / چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟

۲) حُسن تعلیل:

سؤالی که جوابش غیرعقلانه و رمانتیک است.

تویی بهانه آن ابرها که می‌گیرند / بیا که صاف شود این هوای بارانی

چرا ابرها می‌گیرند؟ بهانه تو را دارند: حُسن تعلیل

تذکر: حروف «تا - که - چون - از آن (زان)» ← در آخر دو مصراع می‌توانند بیانگر حُسن تعلیل باشند. (کلمه «چون» نباید معنای مانند بدهد)

تا درد و ورم فرونشیند / کافور بر آن ضما د کردند

چرا کافور (برف) را بر روی کوه دماوند قرار دادند؟ تا درد و ورم کوه دماوند فرو نشیند

مثال‌های حُسن تعلیل:

۱. تا چشم بشر نبیندت روی بنهفته به ابر چهر دلبند

۲. آتش عشق است کادر نی فتاد جوشش عشق است کاندلر می فتاد

۳. تو قلب فسرده زمینی از درد ورم نموده یک چند

۳) حس آمیزی:

آمیخته شدن حس‌های پنج‌گانه

کوی محبت / سخن تلخ

مثال: سخن گفتنش با پسر نرم دید ← حس آمیزی

از گلشن زمانه که بوی وفا شنید ← حس آمیزی

۲. معطر شعر - معطر خیال - معطر الهام

۴. بوی التماس - بوی حمله

۶. سخن گفتنش با پسر نرم دید

۸. گرم و روشن همچون شرم

۱۰. خیس بودن شعر

۱۳. با نرمی گفت

۱۶. اوقات تلخ

۱. قصه شیرین فرهاد

۳. خاطرات شیرین

۵. خواب را مزمره کنید

۷. تیره و سرد همچون ترس

۹. صدای گرم - نایش گرم - حدیث گرم

۱۱. یاد روشن ۱۲. پوزخند نمکین

۱۴. شیرین زبان ۱۵. صدای خشک

(۴) اغراق ← بزرگنمایی:

که گفتت برو دست رستم ببند / نبندد مرا دست، چرخ بلند

آسمان نمی‌تواند دست مرا ببندد ← اغراق

تذکر: اعداد صد - هزار ← بیانگر اغراق

بیامد دوصد مرد آتش‌افروز

تذکر: ترکیبات کوه غم / دریای خون / سیلاب اشک



(۵) استعاره:

۱- ای دماوند / ای گنبد گیتی / ای دیو سپید / بتا (ای بت) / ملکا (ای ملک: پادشاه)

۲- اضافه استعاری:

دستِ روزگار / سینۀ کویر / حلقوم چاه / مشتِ زمین / دلِ زمانه

تذکر: مشتِ قلب ← تشبیهی است

تذکر: دستِ انابت (توبه) ← اضافه اقترانی (دست به قصد توبه)

مثال: حیثیتِ روزگار / جورِ ایام

۳- فعل یا صفت هر گروه به همان گروه نسبت داده شود.

آسمان تعطیل است / باده‌ها بیکارند / روزگار پست‌پرور

۴- کلمه‌ای که معنای خود را ندهد و بتوان مابین معنای کلمه و اصل کلمه مثل و مانند گذاشت.

مثال: هر که این آتش ندارد نیست باد / تا فرشِ زمردین بگسترند

استعاره از عشق استعاره از گل و سبزه‌ها

سیم: نقره استعاره از برف / کافور: ماده خوشبو ← استعاره از برف

اضافه‌های اقترانی که ممکن است با اضافه استعاری اشتباه شود.

۱. دستِ انابت (اقترانی) / ۲. جیب مراقبت / ۳. دستِ تناول

اضافه‌های استعاری که متفاوت است عبارتند از:

۱. جوشش عشق ۲. اساسِ تزویر ۳. پیشگاه اهل خرد ۴. بنیاد هستی ۵. غرق آتش ۶. بال‌های باد

مهم‌ترین اضافه‌های استعاری:

۱. جورِ ایام ۲. جور گردون ۳. ضربت گردون ۴. مشتِ روزگار ۵. قلب زمین / بوسه‌های باران / چشم جویباران / طیلانِ مدیترانه /

سینۀ کویر / حلقوم چاه / حیثیتِ مرگ / سوگند چرخ / دهانِ خوان / نیرنگ هوا / فریب از / رگ جان

۶) تشخیص (زیرگروه استعاره):

اضافه استعاری = تشخیص / فعل یا صفتی بر انسان و غیر انسان نسبت داده شود
آسمان خندید

۷) جناس:

به دو قسمت تقسیم می‌شود: ۱) همسان (تام) ۲) ناهمسان (ناقص)

جناس همسان (تام): عین هم با معنای متفاوت

- پرده‌هایش پرده‌های ما درید

موسیقی صدا پوشش

جناس ناهمسان (ناقص):

در یک حرف اختلاف: حکایت - شکایت / بازار - بیزار / کمان - کمال

در یک حرف افزایش: رنگ - فرنگ / نار - نیاز

در ظاهر عین هم مصوت‌ها - یکسان نیست

گل - گل / هزار - هزار

تذکر: آتش است این بانگ نای و نیست باد / هر که این آتش ندارد نیست باد

باد نمی‌باشد ناپود باد
قافیه = جناس همسان

۸) کنایه:

فعلی در معنای اصلی خود استفاده نشود.

مثال: حیثیتِ مرگ را به بازی نگرفت ← کنایه

تذکر: در کنار فعل اعضای وجودی انسان یا حیوان قرار می‌گیرد غالباً سبب کنایه می‌شود.

لاجرم سپر انداخت: کنایه از تسلیم شدن

دلبران میدان گشوده نظر که بر کنید اول که بندد کمر

تذکر: سنگدل / گرسنه چشم / سیه دل / ناخن خشک = کنایه

۹) مجاز:

۱- مکانی داده شود منظور افراد مکان باشد.

مثال: جهان را سراسر سوی داد خواند

مجاز از مردم جهان

تذکر: ظرفی داده شود و منظور محتویات ظرف باشد.

مثال: دلا خموشی چرا چو خُم نجوشی چرا

مجاز از محتویات خم

۲- اعضای وجودی:

(الف) سر - سینه - کف - دم (نفس)

(ب) چشم - گوش - دست - زبان - خون ...

اگر در معنای خود استفاده نشوند.

۳- تناسب‌های پشت سر هم که بینشان «واو» یا «ویرگول» ذکر شود مجاز هم دارد.

مثال:

لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید / از نفیرم مرد و زن نالیده‌اند
تناسب = مجاز تناسب = مجاز

چشم و گوش را آن نور نیست (حس‌آمیزی) / از دست و زبان که برآید
تناسب = مجاز تناسب = مجاز

۴- کلمات قلم (کَلک) - چمن - خاک - فردا - نگین - حرف می‌توانند مجاز باشند.

قلم: نوشته یا شعر / چمن: گلستان / خاک: قبر - سرزمین - انسان / فردا: روز قیامت / نگین: انگشتر / حرف: سخن

۱۰ تشبیه:

۱- دیدن ادات تشبیه: مثل / مانند / چون (چو) / همچون (همچو) / به کردار - به سان - وار - وش

تذکر: چون (چو) معنای مانند بدهد.

۲- تکه‌تکه کردن شعر و بین جمله مثل یا مانند بگذاریم.

عشق دریایی کرانه ناپدید (عشق مانند دریایی = تشبیه)

۳- اضافه تشبیهی:

آتش عشق (عشق مانند آتش است)

تذکر: چراغ دل / آئینه قلب = تشبیهی

تذکر: فراش باد صبا را ... فرش زمردین بگسترد

اضافه تشبیهی

تذکر: ارکان تشبیه:

حسین در دلاوری مثل شیر است = چه کسی مثل شیر = حسین ← مشبه

ادات مشبهه

حسین در دلاوری مثل شیر است از چه لحاظ ← دلاوری = وجه شبه

مثال: چوب‌دستی منتشا مانند در دستش

چوب‌دستی مانند منتشا - وجه شبه ندارد

مشبه ادات مشبه‌به

(۱۱) سجع:

کلماتی که در آخر دو جمله می‌آیند که یا حرف یا حروف آخر یکی هستند یا هم‌وزن هستند.

مثال: به خواری محکوم و از عدالت محروم = سجع

مثال: به نام آن خدای که نام او راحت روح است و پیغام او مفتاح فتوح است.

آخر دو جمله عین هم باشد کلمه ماقبل آن بررسی شود.

مثال: از نام‌های حُسن، یکی کمال است و یکی جمال

(۱۲) تلمیح:

نام اشخاص تاریخی - کلمات خاص / اشاره به آیه یا حدیث

- آن کسی را در این ملک سلیمان کردیم ملت امروز یقین کرد که او اهرمن

- خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد ز اشک ویران گنش آن خانه که بیت‌الْحُزْن است

بیت‌الْحُزْن: داستان حضرت یعقوب

دیو سپید: دیوی معروف در شاهنامه

ز نیرنگ هوا و از فریب آرز خاقانی دلت خُلد است خالی از طاووس و شیطان

اینکه شیطان آدم و حوا را فریب می‌دهد و از بهشت می‌راند.

ابیاتی که اشاره به آیه یا حدیث دارد:

۱. هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش بازجوید روزگار وصل خویش

کُلّ شی یرجع الی اصله

۲. ز یزدان دان نه از ارکان که کوتاه‌دیدگی باشد که خطی کز خرد خیزد تو آن را از بنان بینی

منارمَبَّتْ إِذْ رَمِيتْ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمِي

۳. شی عَجَاب: تلمیح از آیه قرآنی إِنَّ هَذَا لَشَيْ عَجَاب

(۱۳) تناقض (پارادکس):

۱- دو کلمه متضاد به وسیله کسره به هم بچسبند: حاضر غایب / پیدای پنهان

۲- دو عمل متضاد از یک نفر یا یک چیز سر بزند. (در یک زمان یکسان)

۳- فعل یا صفت بالعکس:

- آتش سرد ← آتش گرم است نه سرد



۱۴) **تضمین:** که غالباً قسمتی از آیه یا حدیث عیناً ذکر می‌شود و یا جمله و شعری از شاعر یا نویسنده‌ای نقل قول می‌شود.

تذکر: تضمین‌های درس‌ها باید بررسی شود. (در مبحث معنا و مفهوم نوشته شده است)



۱- تناقض‌ها:

۱. کمال عقل، آن باشد در این راه / که گوید نیستم از هیچ آگاه

۲. صورت بی صورت بی حدّ غیب

۳. گر نام و ننگ داری از آن فخر، عار دار

۴. از این سدّ روان در دیده شاه

۵. چو بگذشت از پس آن جنگ دشوار / از آن دریای بی پایاب آسان

۶. آن آشکار صنعت پنهانم آرزوست

۷. شیخ همیشه شاب

۸. پیرترین و جوانترین شاعر

۹. سخنش به سخن همه شبیه باشد و به هیچ کس شبیه نباشد.

۱۰. احدى نتوانسته مانند او حرف بزند و در عین حال، نظیر حرف زدن او را هر روز در هر کوچه و بازار می‌شنویم

۱۱. هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای؟

۱۲. بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی

۱۳. ای حقیقی‌ترین مجاز، ای عشق

۱۴. جز تو که فرات، رشحه‌ای از یم توست / دریا نشنیدم که کشد مُشک به دوش

۱۵. بزن زخم این مرهم عاشق است

۱۶. خموش‌اند و فریادشان تا خداست

۱۷. پرواز شدند و پر گشودند به عرش / هرچند که دست بسته بودند آن‌ها

۱۸. بی تو حتی مهربانی، حالتی از کینه دارد

۱۹. پدرم در لاتی کار شاهان را می‌کرد

۲۰. به رقص مرگ، اخترهای انبوه

۲- حُسن تعلیل:

۱. ای کعبه به داغ ماتمت نیلی پوش / وز تشنگی است، فرات در جوش و خروش

۳- حس آمیزی:

۱. حلاوت سنج معنی ۲. ترانه‌های شیرین ۳. بهانه‌های زرّین ۴. جواب تلخ ۵. ذوق لطیف ۶. خشک بودن مادر
۷. قصّه‌های شیرین ۸. پررنگ و نگار و نرم بودن افسانه‌ها ۹. شیرین زبان ۱۰. سخنان نمکین ۱۱. صدای خشک
۱۲. که برگوی تا از که دیدی ستم ۱۳. لهجه غلیظ ۱۴. حضور سنگین

۴- تضمین:

درس هفتم: اِنّی خالق بشرأ من طین ۲. اِنّی اعلم ما لاتعلمون ۳. رو سر بنه به بالین تنها مرا رها کن
 ۴. زیرا عشقی که هرگز از بین نمی‌رود و همیشه در دل او بود: تضمین از شعر حافظ: از آن به دیر مغانم عزیز می‌دارند / آن آتش که نمیرد همیشه در دل ماست
 تذکر: هر نفسی زاد و نعمت است / دم فرو دادن و برآمدش / آن یکی مُمد حیات است / این یکی مفرّج ذات، تأثیرپذیری گوته از شعر سعدی است.

۵- تلمیح:

۱. آن گوهر محبت بود و بر مُلک ملکوت عرضه داشته: تلمیح به آیه قرآنی: اِنّا عرضنا الا مالهُ علی اله وات و الارض و الجبال ...
۲. صورت بی صورت بی حد غیب / ز آینه دل تافت بر موسی حبیب
۳. پنهان ز دیده‌ها و همه دیده‌ها از اوست / آن آشکار ضعت پنهانم آرزوست
 تلمیح به آیه: لاتدرک الابصار و هو یدرک الابصار
۴. تا بوسه‌گه وادی ایمن برانیم: وادی ایمن: صحرایی در سمت راست کوه طور است و در آنجا به حضرت موسی، وحی نازل شد. در اینجا منظور «فلسطین» است: تلمیح به داستان حضرت موسی
۵. وادی پر از فرعونیان و قبطیان است / موسی جلودار است و نیل اندر میان است
۶. فرمان رسید این خانه از دشمن بگیرد / تخت و نگین از دست اهریمن بگیرد
۷. بشکست داع دیر یاسین پشت ما را / ۸. شیر خدا و رستم دستانم آرزوست

۶- جناس همسان (تام)

۱. کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست
 موسیقی و ساز پنجه
 ۲. جانان من بر خیز بر جولان برانیم / زان جا به جولان تا خطّ لبنان برانیم
 نام منطقه‌ای تاخت و تاز
 ۳. رود ذره‌ای گر ز خاک به باد / به خون من آن ذره آغشته باد
 ورزش باد باشد
- قافیه = جناس همسان

۴. می گفت گرفته حلقه بر در / کامروز منم حلقه بر در

۷- اضافه‌های استعاری:

۱. گوش ارغوان ۲. در احسان ۳. در دل ۴. روی روز ۵. دامن شب ۶. رقصِ مرگ ۷. فوران خشم ۸. زلفِ کعبه ۹. رگ روح ۱۰. آواز عشق ۱۱. دستِ آسمان ۱۲. پای گردون ۱۳. درِ صلح ۱۴. خاموشی دریا ۱۵. هیاهوی خاک ۱۶. موسیقی آسمان ۱۷. هلهلهٔ مرغان ۱۸. کار مرگ ۱۹. فوران تخیل ۲۰. بازوی دین ۲۱. دلِ شب
- تذکر: اضافهٔ اقترانی: ۱. دندان تحیر ۲. دستِ دریغ ۳. انگشت تعجب

۸- اضافهٔ تشبیهی:

۱. آینهٔ دل ۲. قرص خورشید ۳. خواب شفق ۴. باران تیر ۵. رایت عشق ۶. شراب عشق ۷. خانهٔ آب و گل آدم ۸. گنج معرفت ۹. باران محبت ۱۰. ابر کرم ۱۱. شب‌نم عشق ۱۲. نشتر عشق ۱۳. آفتاب نظر ۱۴. گوهر محبت ۱۵. بار امانت ۱۶. آفتاب عشق ۱۷. شمس حقیقت ۱۸. خورشید عمر ۱۹. دانه انسانیت ۲۰. عالم افسانه‌ها ۲۱. کشتی عشق ۲۲. صبح آزادی ۲۳. خورشید فریاد ۲۴. دفِ عشق ۲۵. نغمهٔ عشق ۲۶. زخم انکار ۲۷. جوشن عشق ۲۸. چنبر نفس ۲۹. تخم نیکی ۳۰. شاهد آرزو ۳۱. رخِ کفر ۳۲. موجب سیادت ۳۳. سنگر مشروطیت ۳۴. بساط قلدری ۳۵. سنگر ظلم ۳۶. سنگر عدل ۳۷. خوانِ عدل ۳۸. نور امید ۳۹. کوی عشق ۴۰. منبع ایمان ۴۱. سراجِ ذهن ۴۲. قفل تیرگی

۹- نمادها:

- درس اول: ۱. شیر: نماد انسان‌های تلاشگر و بخشنده
۲. روباه: نماد انسان‌های ضعیف که از دسترنج دیگران رزق و روزی می‌خورند.
- درس دوم: گنج حکمت / مور: نماد انسان تلاشگر
- درس پانزدهم: ۱. کبوتر مطوقه: نماد رئیس یا بزرگ متعهد ۲. زاغ: زیرک و محتاط (که به دنبال تجربه بود) ۳. زبرا: نام موشی و نماد تجربه و هوش
- درس هفدهم: ۱. شعله: کسانی که به‌طور مستقیم به ما خدمت می‌کنند. ۲. چراغدان: کسانی که به‌طور غیر مستقیم به ما خدمت می‌کنند.
- مرغ سحر: نماد مدعی عشق / پروانه: عاشق واقعی / درفش کاویان: نماد پیروزی

۹- سجع:

۱. یک کیسه به پدر باید داد و یک کیسه به پسر (باید داد)
۲. من طاقت قرب ندارم و تاب آن نیارم
۳. بدر در میان او هلالی بودی و رستم به دستان او زالی
۴. علم در همه بابی لایق است و عالم در آن باب بر همه فایق
۵. آن یکی مُمَد حیات است این یکی مُفَرَّح ذات

۱۰- مجاز:

۱. کرم ورزد آن سر: شخص / ۲. از بتخانه‌ها به شمشیر بیاورده باشد
مجاز از قدرت و جنگ
 ۳. به کران آب فرود آمد: مجاز از رود / ۴. فروغ خرگه خوارزمشاهی
مجاز از حکومت
 ۵. چه اندیشیدن آن دم، کس ندانست: مجاز از لحظه / ۶. در آن باران تیر و برق پولاد
۷. به پاس هر وجب از این خاک / چه بسیار آن سرها که رفته
مجاز از کل وجود
 ۸. ز مستی بر سر هر قطعه زین خاک / خدا داند چه افسرها که رفته
مجاز از وطن مجاز از بزرگان
 - ۹- صد فتنه و شور در جهان حاصل شد / ۱۰. سعدی (درس نهم): مجاز از آثار سعدی (البته نه در همه موارد)
مجاز از مخلوقات جهان
 ۱۱. بر او انجمن گشت بازارگاه: مجاز از مردم بازار
 ۱۲. جهان را سراسر، سوی داد خواند: مجاز از مردم جهان (رای فکّ اضافه)
 ۱۳. از آن چرم کاهنگران پشت پای: مجاز از پوستین چرمی
 ۱۴. سری پر ز کینه، دلی پر ز داد: مجاز از فکر و ذهن / ۱۵. و سر ایشان کبوتری بود: مجاز از رئیس
 ۱۶. شیرین زبان: مجاز از سخن / ۱۷. کلاس غرق خنده بودند: مجاز از دانش‌آموزان
- تذکر: کلمه «دم» (نفس) = غالباً مجاز هست به‌غیر از عبارت زیر: هر نفس را دو نعمت است دم فرو دادن و برآمدنش

۱۱- استعاره (حالت چهارم استعاره):

۱. کسی نیکی بیند به هر دو سرای: استعاره از دنیا و آخرت
۲. فرو ریخت گردی زعفران رنگ: استعاره از نور خورشید
۳. در آن دریای خون در قرص خورشید: استعاره از سرخی آسمان
۴. در آن دریای خون در دشت تاریک: استعاره از میدان جنگ
۵. ولی چندان که برگ از شاخه می‌ریخت: استعاره مغول - استعاره از سپاه مغولان
- ۶- از این سد روان در دیده شاه / ز هر موجی هزاران نیش می‌رفت
استعاره از رود سند استعاره از درد و رنج
۷. دمار از جان این غولان کشم سخت / ۸. رهاوند از بند اهریمن وطن را: استعاره از سپاه مغول
استعاره از سپاه مغول
۹. از آن دریای بی‌پایاب آسان: استعاره از رود سند / ۱۰. شد چون مه لیلی آسمان گیر: استعاره از چهره زیبا
۱۱. در این آینه نقش‌های بوقلمون بینید: استعاره از انسان / ۱۲. و خزانه‌داری آن گوهر نیافته: استعاره از عشق

۱۳. بگشای لب که قند فراوانم آرزوست: استعاره از سخن / ۱۴. ای آفتاب حُسن برون آ، دمی ز اِبر

معشوقه پوشش و مانع

۱۵. آتش در سوختگان عالم زند / ۱۶. به من آورید آخر صنم گریزِ پا را

استعاره از عشق استعاره از عاشقان استعاره از معشوق

۱۷. بکشید سوی خانه مه خوب خوش لقا را / ۱۸. پالیز سعدی می چریدیم

استعاره از معشوق (شمس تبریزی) استعاره از آثار سعدی

۱۹. از بوته‌ای به بوته‌ای و از شاخی به شاخی / ۲۰. بت‌ها همه را شکسته بودند آن‌ها

استعاره از کلمه یا بیتی استعاره از بیت‌ها و جملات

۲۰. دل بر عبور از سدّ خار و خاره بندیم

استعاره از سختی‌ها

۲۱. وادی پر از فرعونیان و قبطیان است / موسی جلودار است و نیل اندر میان است

استعاره از اسرائیلی‌ها استعاره از امام خمینی استعاره از مشکلات

۲۲. فرمان رسید این خانه از دشمن بگیرد / تخت و نگین از دست اهریمن بگیرد

خانه و تخت و نگین: استعاره از فلسطین / اهریمن: استعاره از اسرائیل

۲۳. یعنی کلیم آهنگ جان سامری کرد / ۲۴. ببین لاله‌هایی که در باغ ماست

امام خمینی اسرائیل شهدا ایران

۲۵. بیا با گل لاله بیعت کنیم / که آلاله‌ها را حمایت کنیم

شهدا

۲۶. ای مرغ سحر، عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

استعاره از عاشق (مرغ عشق) استعاره از عاشق

۲۷. خاک این ویرانه‌ها بویی از آن گنجینه دارد

جهان حضرت مهدی

۲۸. همی آتش آید همی بر سرم: استعاره از ظلم

۲۹. آهنین کوه = پلنگ = اژدها = ژنده فیل: استعاره از عمرو

۳۰. هُژبر = شه جنگ‌جو = شیر = غضنفر = نهنگ: استعاره از حضرت علی (ع)

۳۱. و بر رخسار جوی‌ها براند: استعاره از اشک زیاد (اغراق)

۳۲. گریه کنی اگر / که آفتاب را ندیده‌ای / ستاره‌ها را هم نمی‌بینی

استعاره از نعمت‌های از دست رفته استعاره از نعمت‌هایی که داریم

«رای» فکّ اضافه – اضافه

۱. خرد را گر نبخشد روشنایی: به خرد: متمم («رای» اضافه)
۲. یقین مرد را دیده بیننده کرد: دیده مرد = را فکّ اضافه
۳. خدا را بر آن بنده بخشایش است: بخشایش خدا بر آن بنده است = رای فکّ اضافه
۴. و آن را اندازه نبود: اندازه آن معلوم نبود
۵. بونصر را بگوی: بونصر بگوی (رای فکّ اضافه)
۶. و در هر سفری ما را از این بیارند: برای ما (رای اضافه)
۷. بونصر پسرش را گفت: به پسرش (رای اضافه)
۸. کان سوخته را جان شد و آواز نیامد: جان آن سوخته (رای فکّ اضافه)
۹. بفرمود پس کاوه را پادشاه: به کاوه (رای اضافه)
۱۰. جهان را سراسر سوی داد خواند: سراسر جهان (رای فکّ اضافه)
۱۱. جهان آفرین را به دل، دشمن است: به دل دشمن جهان آفرین (رای فکّ اضافه)
۱۲. مرا اوج عزّت در افلاک توسّ: اوج عزّت من (رای فکّ اضافه)
۱۳. و آن موش را زبرا نام بود: نام آن موش (رای فکّ اضافه)

ادبیات یازدهم

درس‌های مهم نیمه دوم کتاب:

۱. کبوتر طوق دار (خصوصاً از دیدِ املاء و لغات) / ۲. کاوه دادخواه / ۳. بانگِ جَرَس / ۴. حمله حیدری

املاء درس‌های نیمه دوم

درس دهم: املاء کلمات مشابه:

۱. رُفت = رُفتن - زدودن ≠ رَفتن / ۲. مُشک: انبان - خیک ≠ مُشک (ماده خوشبو) / ۳. دَیِر ≠ دیر
- فرض (واجب) ≠ فرز (چابک) / عَلَم: پرچم ≠ آلم (درد)

املاء و لغات مهم: هیأت = هیئت

یم: دریا / باره: (اسب - قلعه) / خارِه / رشحه / سترگ / محوطه / وادی
جرس / رحیل / اهریمن / سامری / کلیم / هامون / جولان / دیر یاسین / کلاف / سترگ

درس یازدهم: املاء مشابه

- رُستن: رها شدن ≠ رُستن (رشد کردن) / ۲. مرهم: التیام‌بخش ≠ مرهم
۳. مُنکِر: انکارکننده ≠ مُنکَر (زشت)

املاء و لغات مهم

آیینِه / چنبر / سیمینه / مدار / موعود



درس دوازدهم: املاء مشابه

۱. سَپَرْدَن = پایمال کردن ≠ سَپَرْدَن / ۲. غو = فریاد ≠ قو

لغات و املاء:

آوری / اساطیر / الحاح / پایمردان / ترگ / خوالیگر / دژم / درای (زخم درای) / سبک / سروش / فایق / گیهان خدیو / یکایک / هنر / نفیر / موبد / محضر



درس چهاردهم: املاء مشابه

۱. غزا = جنگ ≠ قضا ≠ غذا



لغات و املاء:

کنار - نزد

پهلو - سینه

آغوش

حرف اضافه

۱. ابرش / امتناع / پور / تپیدن / حرب / خدو / ژَنده / ژیان / سهم / غضفر / کیمیا / منزّه / کاهلی / هژبر / دستور / بر



درس پانزدهم: املاء مشابه

۱. اهمال: کوتاهی ≠ اعمال (ج عمل) / ۲. ثقت (اطمینان) ≠ سقط (مردن)
۳. صواب: صلاح و درست ≠ ثواب: پاداش / ۴. فِراق (دوری) ≠ فراغ: آسایش
۵. ناحیه: سرزمین ≠ ناهیه: نهی‌کننده

لغات و املاء:

اختلاف / اعتذار / بر اثر / استخلاص (تخلّص) / تگ / جال / خایب / دها / زمرد / سیادت / شکاری / طاعن / عقده / قضا / گرازان /
گشتن / مطاوعت / چله / رقعت / شماتت / مظاهرت / مناصحت / ورطه / وقیعت / موالات / مواجب / معونت / رغبت / تگ / استاد /
زهاب / ورطه / التفات / تکفل / ملالت / بیفزاید / منقطع

درس شانزدهم: لغات و املاء

املاء مشابه:

۱. ایار (از ماه‌های رومی) = عیار (خالص $\neq$ غش و ناپاکی)

۲. تأثر: اثرپذیری $\neq$ تعسّر (دشواری)

۳. مهمل: (بی‌کارگی) $\neq$ محمِل (کجاوه)

املاء و لغات:

ارک (قلعه = دژ) / تعلیمی / تلمذ / چرتکه (واژه روسی) / چله = زه کمان / رفعت / شماتت / صورتک (ماسک) / قذاره / قُلا (کمین)
/ کذا / کلون / کمیسیون (فرانسوی) / محقّر / مسامحه / مسحور / مُضحک / مغتنم / موقّر / مهیب / هفت صندوقی (گروه‌های
نمایشی دوره‌گرد / یغور

درس هجدهم:

۱. رُستن $\neq$ رستن / ۲. زُلال $\neq$ ضلال $\neq$ ظلال / ۳. حیات $\neq$ حیاط / ۴. بحر $\neq$ بهر / ۵. صَرف $\neq$ صِرف / ۶. هول $\neq$ حول / ۷.

عزم = حزم = هضم

املاء و لغات: مُفرّج / ذات / مُمد / آذرباد / مسءله (مسئله) / حماقت / غلتیدن / نیاموزیم / عصیان / مکافات / حشر

درس ۱ تا ۱۰:

مهم‌ترین دروس: ۱. قاضی بست ۲. بارات محبت ۳. در کوی عاشقان

املاء دروس ۱ تا ۹

درس اول: املاء مشابه

۱. قوت (غذا) $\neq$ قوّت ۲. سَرا (خانه) $\neq$ سَرا (سرودن)

۳. جیب (گریبان) $\neq$ جیب ۴. جُستن $\neq$ جستن

۵. محراب $\neq$ مهراب ۶. سَحَر $\neq$ سِحر (مسحور)

املاء و لغات:

صُنع / دَغَل / زَنخدان / تیمار / محراب / دون (فرومایه) / چنگ / حمیت / اقبال / ادبار / نژند / زیون / حلاوت

درس دوم: املاء مشابه

۱. جامه $\neq$ جامع / ۲. خاست (ایجاد شد) $\neq$ خواست
۳. گزاردن = آدا کردن - انجام دادن - (نمازگزار - سپاسگزار - خدمتگزار - شکرگزار - خوابگزار) $\neq$ گذاردن - قرار دادن - وضع کردن - اجازه دادن - رها کردن (قانونگذار - سیاستگذار)
۴. خلال $\neq$ هلال / ۵. نثر $\neq$ نصر / ۶. فراغ (آسودگی) $\neq$ فراق: دوری
۷. روزه = روزه / ۸. لحن $\neq$ لعن / ۹. سور (جشن) $\neq$ صور (شیپور)

لغات و املاء:

مطربان / از قضا / شرع / هزاهز / افکار / صعب / مقرون (قرین) / راغ / متقارب / خطوات / توقیع / مخنقه / عقد / ضیعتک / سرسام / مستحقان / محبوب (مستور) / عارضه (علت) / خیلناژ / توزی / درستم / بار / بی‌شبهت / لختی / صلت / وزر / وبال / خواجه عمید / خطام / لله دُرکما / بزرگا / خیلناش / دبیر کافی / غرامت

درس سوم: املاء مشابه

۱. قرص $\neq$ غرس (کاشتن) / ۲. زره (پوشش جنگی) $\neq$ ذره
 ۳. خُرد (کوچک) $\neq$ خُرد (عقل) = خورد (فعل)
- لغات و املاء: زعفران / غلت / باره (اسب - قلعه) / خواباب / شفق / رستاخیز (حشر) / اهریمن / سیماب / مصراع / مضامین / مشروطه / ثمره

درس پنجم: املاء مشابه

۱. غربت $\neq$ قربت / ۲. غرب $\neq$ قرب / ۳. آغا = آقا / ۴. سلاح $\neq$ صلاح / سفیر $\neq$ صغیر
 ۵. قلّه $\neq$ غلّه / ۶. معدود $\neq$ محدود / ۸. قصّه $\neq$ غصّه / ۹. اسیر $\neq$ اثیر (کره آتشین)
 ۱۰. اُسرا (اسیران) $\neq$ اِسرا (در شب سیر کردن) / ۱۱. تُرد $\neq$ طرد (رانندن)
- ولایتعهدی / مرشد / تاخت و تاز / مجهّز / دیار / اُعبای / التهاب / بختک / تحت الحمایگی / چیرگی / زنبورک / مصمّم / معبد / آز (آزمند) / رمقی / توفندگی / موعود / بزم (سور) $\neq$ رزم / نایب السلطنه / درایت / مقوله / برگزاری / ظرافت / حماسی / کُری خوانی

درس ششم: املاء مشابه

- برخواست $\neq$ خواست / صد $\neq$ سد / غالب: (پیروز و چیره) $\neq$ قالب: (شکل - قالب شعری)
- تحلیل $\neq$ تهلیل (سبحان الله گفتن) / ثقت $\neq$ سقط

املاء و لغات:

خَنیده / گزافه / رایت (پرچم = درفش = غلم = بیرق) / موسیم

غایت / جهد / بلاغی / معیار / میندیش / تذکرة

درس هفتم: املاء مشابه

۱. تین ≠ طین / ۳. بُعد (دوری = بعد ۳. مذلت (خواری) ≠ مزلت (لغزش) / ۴. خار ≠ خوار / ۵. غنا (توانگری ≠ غنا (آواز)
 ۶. ازل (زمان بی‌آغاز) ≠ عزل / ۷. نذر ≠ نظر / ۸. مُلک ≠ ملک ≠ مَلک
 لغات و املاء: اضاف / وسایط / مُشتبه / تعبیه / حضرت / ذوالجلال / اسرافیل / عزرائیل / قبضه / طوع / اکراه / قبضه / دواسبه / اعزاز / الوهیت / روزکی / نقش‌های بوقلمون / سرنشتر / نفایس / خزاین / دُفین / ابد ≠ ازل / لایق / مقرب / تلبیس / طواف / مرصاد / منزوی / دلپذیر / مشعشع / عناصر / داستان

درس هشتم: املاء مشابه

أسرار ≠ إصرار / عازم ≠ حازم ≠ هاضم / سَفَر ≠ صفر

لغت و املاء:

قونیه / هراس / بصیرت / وعظ (واعظ، موعظه) / زهد / صنم / خوش‌لقا / فغان / کوی و برزن / حسام‌الدین / منطق‌الطیر / طعن (طعنه) / مرثیه / تشییع / بدیع‌الزمان / تلخیص / الحان / رضوان / لین / هیاهو

درس نهم: املاء مشابه

عار ≠ هار ≠ آر / نُقل ≠ نُقل / قدر ≠ غدر (خیانت) / جرأت = جرئت / ثنا (ستایش) ≠ سنا (روشنایی)
 نقض ≠ نغز / بدیهی ≠ بدیعی / سرور ≠ سرور / خَلق ≠ خَلق / متأثر ≠ متعسر / طبع ≠ تبع (مطبوع ≠ متبوع)
 املاء و لغات: شیرخوارگی / کبوده / استحکام / بحران عصبی / تحفه / بی‌شائبه / مشیت / فاجعه / تمکن / بُخل / به‌منزله
 عوارض / مفاتیح‌الجنان / غم‌گسار / اندرز / تمثیلی / شاب / آماس / فوران / قوز / لگه / پالیز / کورمال / استسقا / امتناع / متناقض / متعصب / مسرور / نَمَد / حنا / بذله / عندلیب
 فروغی / مسرتی / لفاف / صراحت / قریحه / ملک‌الشعر / بالبداهه / امیر معزی (نام شاعری) / گیوه / صَباحت / فرو گذاری / بدیهی / ضبط

تاریخ ادبیات

۱- درس‌های داستانی: ۱. کاوه دادخواه ۲. قاضی بست ۳. در کوی عاشقان

۲- قلمرو (مثل چهارپاره)

۳- آثاری که در پایان هر درس، ذکر شده است.

۱. سعدی: بوستان - گلستان (کسی که در وضعیت کرونا، گلستان یا بوستانی دارد خوشبخت است).

۲. جامی: بهارستان (نثر) - تحفه‌الاحرار (نظم)

جامی در بهار، هدیه‌ای (تحفه) به آزادمردان (احرار) داد

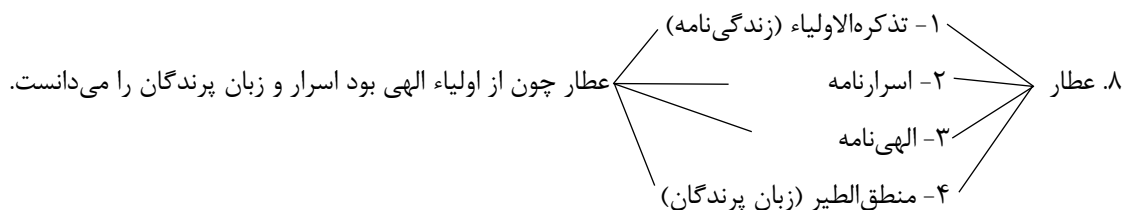
۳. ابوالفضل بیهقی: تاریخ بیهقی

۴. مهدی حمیدی شیرازی: در امواج سند

۵. مجید واعظی: عباس میرزا، آغازگری تنها (ارتباط بین میرزا و واعظ)

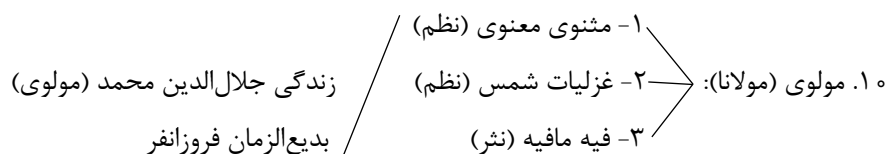
۶. کامور بخشایش: زندان موصل (خاطرات اسیر آزاد شده، اصغر رباط جزری)

۷. نظامی گنجوی: لیلی و مجنون ← آثار نظامی ملخها



تذکر: سنایی هم الهی نامه دارد.

۹. نجم الدین رازی (معروف به دایه): مرصادالعباد من المبدأ الی المعاد = راز دین در زمینه مبدأ و معاد



۱۱. محمد بن منور: اسرارالتوحید (ارتباط بین کلمات محمد و منور و توحید)

۱۲. دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن: روزها (روزهای محمد اسلامی بود)

۱۳. لطفعلی صورتگر: میثاق دوستی (صورت علی میثاق دوستی با پیامبر)

۱۴. حمید سبزواری: بانگ جرس (بانگ سبزواری)

۱۵. محمدعلی مجاهدی (پروانه): مجاهد راه خدا مثل پروانه‌ای (عاشقی) است

ای کعبه به داغ ماتمت نیلی پوش وز تشنگی است، فرات در جوش و خروش

۱۶. سید ضیاءالدین شفیع: به یاد ۲۲ بهمن

۱۷. سید حسن حسینی: هم صدا با حلق اسماعیل (ارتباط بین حلق بریده حسین و اسماعیل)

۱۸. قیصر امین پور: صبح بی تو (قیصر بی تو هرگز)

۱۹. مجد خوافی: روضه خلد (باغ جاویدان مجد و بزرگی دارد)

۲۰. باذل مشهدی: حمله حیدری ← حیدر علی (ع) بخشنده (بازل) بود

۲۱. نظام وفا: وطن (وفای وطن)

۲۲. ابوالمعالی نصرالله منشی: کليلة و دمنه (چه اسم خفنی، حتما باید خدا یاریش کُنه (نصرالله))

۲۳. محمد عوفی: جوامع الحکایات و لوامع الروایات: حکایات و روایات بخونی همش باید «عوف عوف» کنی

۲۴. رسول پرویزی: شلوارهای وصله دار (شلوارهای رسول و پرویز وصله داشت) - قصه عینکم

۲۵. نادر ابراهیمی: سه دیدار (دیدار نادر و ابراهیم)

۲۶. رابیندرانات تاگور: ماه نو و مرغان آواره: مرغان آواره تا گور فاصله نداشتند

۲۷. جبران خلیل جبران: پیامبر و دیوانه (خلیل پیامبر بود)

۲۸. یوهان ولفگانگ گوته: دیوان غربی - شرقی (گوته به شرق و غرب مسافرت کرد)

دیوان شرقی در مورد حافظ

۲۹. ریچارد باخ: پرنده‌ای به نام آذرباد (باد و باخ) ← ترجمه سودابه پرتوی

۳۰. ملامحسن فیض کاشانی: الهی = فیض الهی



درس کوی عاشقان

زندگی‌نامه مولانا - باید جزیه‌جز بررسی شود

محمد ملقب له جلال‌الدین مشهور به مولانا (مولوی) / قرن هفتم در شهر بلخ

تذکر: علت شهرت به رومی یا مولانای روم به خاطر اقامت طولانی در شهر قونیه / منتهی مولانا خود را از مردم خراسان شمرده

پدر مولانا: محمدبن حسین خطیبی (معروف به بهاء‌الدین ولد) ← از دانشمندان

علت مهاجرت پدر مولانا از بلخ هراس از کشتار مغول و رنجش از خوارزمشاه

ملاقات عطار با مولانا: در شهر نیشابور ملاقات کردند که عطار کتاب «اسرارنامه» را به مولوی (خردسال) هدیه داد

جمله عطار به پدر مولانا: «زود باشد که این پسر تو، آتش در سوختگان عالم زند»

ازدواج مولانا: به دستور پدر در سن هجده سالگی با «گوهر خاتون»

مولوی در سن بیست و چهار سالگی بعد از درگذشت پدر، به اصرار شاگردان مجلس درس و وعظ را به عهده گرفت.

اقامت مولانا در شهرهای حلب و شام به مدت هفت سال

استاد مولانا: شمس‌الدین تبریزی ← در سن سی و هشت سالگی به خدمت شمس آمد (مولانا مورد سرزنش زاهدان و شاگردان

واقع شد)

غزل مولانا برای طلب شمس (که روانه دمشق شده بود)

بروید ای حریفان، بکشید یار ما را به من آورید آخر، صنم گریزپا را

شاگردان مولانا: ۱. صلاح‌الدین زرکوب ۲. حسام‌الدین حسن چلبی

مولوی مثنوی معنوی را با کمک حسام‌الدین سرود

حسام‌الدین از مولوی خواست که کتابی به طرز «الهی‌نامه» سنایی یا «منطق‌الطیر» عطار به نظم آورد که آن کتاب مثنوی معنوی

بود که مولوی ۱۸ بیت اول آن را به دست حسام‌الدین داد.

شاعران و عارفان هم‌روزگار مولوی: ۱. سعدی ۲. فخرالدین عراقی که هر دو با مولوی دیدار کرده بودند.

کدام غزل مولوی، سعدی را شیفته خود ساخت؟

هر نفس آواز عشق می‌رسد از چپ و راست ما به فلک می‌رویم، عزم تماشا که راست؟

معنا و مفهوم – آرایه‌ها

درس اول:

۱. یقین، مرد را دیده بیننده کرد / شد و تکیه بر آفریننده کرد (شد = رفت)
۲. زرخدان فرو برد چندی به جیب / که بخشنده، روزی فرستند ز غیب
۳. برو شیر درنده باش ای دغل / مینداز خود را چو روباه شل
۴. بخور تا توانی به بازوی خویش / که سعیت بود در ترازوی خویش (بازو = مجاز)
۵. رزق هرچند بی‌گمان برسد / شرط عقل است جُستن از درها
- نکات: هر دو سرای (استعاره از دنیا و آخرت) / مرد را دیده: دیده‌ی مرد
- گوهر یکدانه شد = شد / جان بر جانانه شد: رفت / مفهوم درس: از تو حرکت از خدا برکت
- تذکر: نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست / چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست
- ضمیر «ش» مضاف‌الیه می‌باشد: تیما او
- صورت بی صورت: تناقض
- با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی / کین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست
- چنگ: جناس تام (همسان) ۱. نوعی ساز ۲. پنجه دست
- پندم: به من پند می‌دهی: متمم / گوش من: مضاف‌الیه
- تذکر: شیر: نماد انسان‌های تلاشگر و روباه نماد انسان‌های ضعیف که از تلاش دیگران روزی می‌خورد.

نکات درس دوم (بسیار مهم)

۱. ناوی بیاوردند، یکی بزرگتر از جهت نشستِ او و جامه‌ها افگندند و شرابی بر وی کشیدند
۲. چون آب نیرو کرده بود و کشتی پُر شده، نشستن و دریدن گرفت و هنر آن بود ...
۳. و نیک کوفته شد و پای راست افگار شد و چنان که یک ذوال پوست و گوشت بگسست
۴. امیر از آن جهان آمده، به خیمه فرود آمد و جامه بگردانید و تر و تباه شده بود
۵. بر این حادثه بزرگ و صعب که افتاد و سلامت که به آن مقرون شد
۶. و نبشته آمد و به توقیع موکد گشت و مَبْشِران برفتند
۷. تب سوزان و سرمای افتاد چنان که بار نتوانست داد و محجوب گشت
۸. چیزی که در او کراهیتی نبود می‌فرستاد فرود سرای به دست من
۹. امیر را یافتم آن‌جا بر زَبَر تخت نشسته، پیراهن توی مخنقه در گردن، عقدی همه کافور
۱۰. امروز دُرُسْتَم و در این دو سه روز بار داده آید که، عِلّت و تب تمامی زایل شد

۱۱. و این مرد بزرگ و دبیر کافی، به نشاط قلم درنهاد

۱۲. تا خویشتم را ضیعتکی حلال خرنند و فراخ‌تر بتوانند زیست

۱۳. این صلت فخر است پذیرفتم و باز دادم و نگویم که مرا سخت دریابست نیست و زر و وبال این به چه کار آید؟

۱۴. و آنچه دارم از اندک مایه خطام دنیا حلال است و کفایت است.

۱۵. لله درکما، بزرگا که شما دو تنید

تذکر: معنای محجوب به دو شکل: ۱. پنهان ۲. با شرم و حیا

مجاز به کار رفته در این درس: ۱. آب (مجاز از رودخانه) / ۲. شمشیر (مجاز از قدرت و جنگ)

بیت: «حساب خود اینجا کن، آسوده دل شو / میفکن به روز جزا کار خود را» با متن درس ارتباط دارد.

بونصر: استاد بیهقی (وزیر امیر مسعود) / ابوالفضل: بیهقی / آغاجی: خدمتکار خاص پادشاه

تذکر: درس زاغ و کبک: تقلید کورکورانه و زیرگروه ادبیات تعلیمی (داستانی) می‌باشد.

درس سوم:

قرص خورشید: اضافه تشبیهی / نیم مرده: کسی که در شرف مرگ بود

دامن شب: اضافه استعاری = تشخیص / خرگه خوارزمشاهی: مجاز از حکومت

خوناب شفق: اضافه تشبیهی / دریای خون در قرص خورشید: استعاره از سرخی آسمان

دریای خون در دشت تاریک: استعاره از میدان خونین جنگ / سر چنگیز: مجاز از تن

عافیت سوز: کشنده / رقص مرگ: تناقض - تشخیص = استعاره

ز امواج گران، کوه از پی کوه: امواج به کوه تشبیه شده است

دل شب: اضافه استعاری = تشخیص / سد روان: استعاره از رود سند / نیش: استعاره از رنج و آزار / سیماب‌گون، امواج لرزان: امواج

لرزان (مشبه) مانند سیماب بودند

این غولان: استعاره از مغولان / از بند اهریمن وطن را (بند: مجاز از اسارت)

اهریمن: استعاره از مغولان / دریای بی‌پایاب: رود سند / خاک مجاز از زمین

سرها که رفته: مجاز از وجود / افسرها: مجاز از پادشاه و بزرگان

تذکر: چهار پاره (یا دوبیتی‌های پیوسته): شکل قافیه آن

Δ Δ

Δ Δ

□ □

□ □

-
○

چهارپاره برای طرح مضامین اجتماعی و سیاسی به کار می‌رود و رواج آن از دوره مشروطه (صفویه) بوده - شاعران این قالب:

دو فریدون در بهار: ۱. فریدون مشیری ۲. فریدون توللی ۳. ملک الشعرای بهار

ولی چندان که برگ از شاخه می‌ریخت / دوچندان می‌شکفت و برگ می‌کرد

جلال الدین هر تعداد از سربازان مغول را که می‌کشت دو برابر جایگزین می‌شده است

گنج حکمت: چو سرو باش

مثل سرو دلبستگی و تعلق خاطر به چیزی نداشته باش

به آنچه می‌گذرد دل منه که دجله بسی / پس از خلیفه بخواهد گذشت در بغداد

به آن چیزی که پایدار نیست وابسته نشو

گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم / ورت ز دست نیاید چو سرو باش آزاد

یا بخشنده باش یا آزاده باش (اگر از دست تو: مضاف‌الیه)

(و اگر) از دست تو: مضاف‌الیه



درس پنجم:

چه عاملی عباس میرزا را استوارتر و امیدوارتر می‌کرد؟

برای تحقق آرمان ملی مشاهده پیشرفت‌های اروپا و عقب‌ماندگی کشور

مردمی که به خانه‌های تاریک و بی دریچه عادت کردند. از پنجره‌های باز و نورگیر گریزان هستند.

خانه‌های تاریک و بی‌دریچه: سنت‌های کهنه / پنجره‌های باز: دنیای جدید

ارتباط بین بیت و شخصیت عباس میرزا: چون شیر به خود سپه‌شکن باش / فرزند خصال خویشتن باش

عباس میرزا شاهزاده‌ای بود که اعتبارش به خاطر بزرگی و عظمت خودش بوده نه به خاطر اینکه فرزند شاه بوده. (متکی به خود)

تذکر: «متن آغازگری تنها» زاویه دید سوم شخص است و شخصیت اصلی آن شاهزاده‌ای که برای دفاع و آزادی و پیشرفت وطن

می‌جنگند که با آن که اسیر است اما برای تعلیم و حفظ روحیه دیگران می‌کوشد.



درس ششم:

۱. چون رایت عشق آن جهانگیر / شد چون مه لیلی آسمان‌گیر

جهانگیر: مجنون / مه لیلی: استعاره از چهره زیبای لیلی

آسمان‌گیر: کنایه از مشهور / رایت عشق: اضافه تشبیهی

زبان کشیدند: کنایه از سخن گفتن / زمین و آسمان: مجاز از مردم جهان

محمل آراست: کنایه از آماده سفر شدن / مهد: محمل / حلقه در گوش نهادن: کنایه از اظهار بندگی کردن / توفیق دهم: به من توفیق ده (م: متمم - فعل امر)

دریاب که مبتلای عشقم / آزاد کن از بلای عشقم

مبتلای عشق هستم (م: اسنادی) مرا از بلای عشق آزاد کن (مفعول)

زلف کعبه: اضافه استعاری = تشخیص / حلقه بر در: کنایه از به تو متوسل شده‌ام

یا رب به خدایی خدایت: حذف به قرینه معنوی

کز عشق به غایتی رسانم: مرا به غایتی برسان (مرا = مفعول)

این قصه: استعاره از سخنان مجنون

عشق بازی کار بیکاران بُود / عاقلش با کار بیکاران چه کار؟

تقابل عشق و عقل

از سر تعمیر دل بگذر که معماران عشق / روز اول رنگ این ویرانه، ویران ریختند

عشق درمان ندارد: با بیت آخر / معماران عشق: اضافه تشبیهی

یک بار هم ای عشق من از عقل میندیش / بگذار که دل حل کند مسئله‌ها را

ای عشق من، عقل را رها کن و مسایل را به دل بسپار (بستگان مجنون چاره‌سازی عاقلانه در پیش گرفته بودند).

گنج حکمت: مردان واقعی

پیام: تأکید بر همنشینی و بر حذر داشتن از گوشه‌نشینی



درس هفتم: (مهم)

۱. گنج معرفت ۲. شبنم عشق ۳. نشتر عشق ۴. آفتاب نظر ۵. صدف امانت ۶. گوهر محبت ۷. ابر کرم ۸. باران محبت: اضافه

تشبیهی

در این آینه: استعاره از انسان / در دل: اضافه استعاری

۱. حق تعالی چون اصناف موجودات می‌آفرید وسایط به کار برد

۲. من نهایت بُعد اختیار کردم که قربت را خطر بسیار است - خاک تن در نمی‌دهد

۳. عشق دواسبه (کنایه از شتابان) می‌آمد / انگشت تعجب = دندان تحیر: اضافه‌های اقترانی

الطاف الّوهِیة و حکمت ربوبیت به سر ملائکه فرو می‌گفت

از ابر کرم، باران محبت بر خاک آدم بارید و خاک را گل کرد

از شبنم عشق خاک آدم گل شد: وجود انسان با عشق آمیخته شده است

سر نشتر عشق بر رگ روح زدند / یک قطره فرو چکید و نامش دل شد

دل نتیجه عشق و روح است / رگ روح: اضافه استعاری

شما در گل منگرید در دل نگرید: ظاهر را رها کنید باطن را ببینید

گر من نظری به سنگ بر، بگمارم: تأثیر لطف و عنایت خدا

دو حرف اضافه برای یک کلمه

گوهر محبت بود که در صدف امانت معرفت تعبیه کرده بودند و بر مُلک و ملکوت عرضه داشته: اشاره به آیه قرآنی: إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ

على السموات و الارض

ارباب حاجتیم و زبان سوال نیست / در حضرت کریم، تمنا چه حاجت است

حضرت: بارگاه / در بارگاه بخشنده، نیازی به خواهش و درخواست نمی‌باشد

نامم افزود و آبرویم کاست / بینوایی به از مذلت خواست

نقد بهتر از خواری خواهش از دیگران است

درس در کوی عاشقان

۱. آتش در سوختگان عالم زند: آتش (استعاره از عشق) / سوختگان: استعاره از عاشقان

آفتاب عشق - شمس حقیقت: اضافه تشبیهی / شمس: ایهام ۱. خورشید ۲. شمس‌الدین تبریزی

به من آورید آخر صنم گریزا: صنم = استعاره از معشوق

به ترانه‌های شیرین به بهانه‌های زرین / بکشید سوی خانه، مه خوب خوش‌لقا را

ترانه‌های شیرین - بهانه‌های زرین = حس‌آمیزی / مه: استعاره از معشوق (شمس تبریزی)

هر نفس آواز عشق می‌رسد از چپ و راست / ما به فلک می‌رویم عزم تماشا که راست؟

نفس: مجاز از لحظه / آواز عشق: اضافه استعاری / چپ و راست: تضاد - مجاز از همه جا

راست = راست: جناس همسان (تام)

این بیت: چنین قفس نه سزای چو من خوش‌الحانی است / روم به گلشن رضوان که مرغ آن همه

در دی است غیر مردن، کان را دوا نباشد = دردی نه دوا پذیر دارد

در خواب دوش پیری در کوی عشق دیدم / با دست اشارتم کرد که عزم سوی ما کن

ترک دنیا و رفتن به جهان باقی

خورشید عمر: اضافه تشبیهی / دانه انسانیت: اضافه تشبیهی

کدام دانه فرو رفت در زمین که ترُست: زندگی پس از مرگ ادامه دارد (معاد)

آیه: اِذْهَبْاِلیْ فِرْعَوْنَ اِنَّهٗ طَغٰی فَقَوْلَا لَهٗ قَوْلًا لِّیْنًا = مولانا اهل صلح و سازش بود

طوری که ناسزای دشمنان را هرگز جواب تلخ نمی‌داد

درس نهم: ذوق لطیف (حس آمیزی) = خاطره نویسی

۱. هر عصب و فکر به منبع بی شائبه ایمان وصل بود که خوب و بد آن را به عنوان مشیت الهی می پذیرفت: (هر فکری به ایمان وصل بود و هر اتفاقی را به عنوان خواست خداوند می پذیرفت)
- خشک بودن: حس آمیزی / کنایه از بی نشاط / قصه های شیرین: حس آمیزی
- پررنگ و نرم بودن افسانه ها: حس آمیزی / عالم افسانه ها: اضافه تشبیهی
- بیشتر کلمات «سعدی» مجاز از آثار بعدی است.

آرایه تناقض:

۱. شیخ همیشه شاب ۲. پیرترین و جوانترین شاعر
۳. سخنش به سخن همه شبیه باشد و به هیچ کس شبیه نباشد (سهل و ممتنع)
۴. احدی نتوانسته است مانند او حرف بزند و در عین حال، نظیر حرف زدن او را هر روز در هر کوچه و بازار می شنویم (سهل و ممتنع)
- سراچه ذهنم آماش می کرد - ذهنم وسعت می یافت و سرشار از احساس می شد
(سراچه ذهن: اضافه تشبیهی)
- قوز می کردم و از فرط هیجان لگه می دیدم - خم می شدم و از شدت هیجان به حالت جست و خیزکنان می رفتم.
- پالیز سعدی می چیدم و از بوته ای به بوته ای از شاخی به شاخی
- پالیز: استعاره از آثار سعدی / بوته: استعاره از شعر یا حکایتی
- شاخی: استعاره از بیت یا جمله ای
- از لحاظ آشنایی سعدی برای من به منزله شیر آغوز بود:
- از نظر آشنایی با ادبیات، سعدی برای من، مانند اولین شیری بود که یک مادر به نوزادش می دهد و استخوان بندی مرا محکم می کرد.
- به حرص ار شربتی خوردم مگیر از من که بد کردم / بیابان بود و تابستان آب سرد و استسقاء
- شربت و آب و استسقاء: تناسب
- اگر از روی حرص و طمع شربتی خوردم (خطایی کردم) مرا بازخواست نکن زیرا مانند کسی بودم که در تابستان و در بیابان گرم به آب سرد و خنک دسترسی پیدا کرده باشد.
- (چاره ای جز خطا نداشتن و بعد خواهان بخشش بودن)
- اگر در نوشته های من خطایی دیدید مرا بازخواست نکنید امکان آموزش و یادگیری نداشتم

تناقض‌های درس: (بسیار مهم)

۱. هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای / من در میان جمع و دلم جای دیگر است

۲. کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق / بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی

تناقض

کنار: ایهام تناسب / کشتی عشق: اضافه تشبیهی / کنار گرفت: کنایه

۳. ای حقیقی‌ترین مجاز ای عشق

تناقض استعاره

تذکر: «خاطره‌نگاری» در نوشته‌های اخیر جزء «زندگی‌نامه» محسوب می‌شود.

العبدُ یَدبّر و الله یَقْدَر؛ بنده چاره‌جویی می‌کند و خداوند تقدیر را رقم می‌زند.

معادل: «گاهی اتفاقات در اختیار انسان نمی‌باشد و آدمی باید نسبت به تقدیر الهی راضی و خشنود باشد»



درس دهم (نکات مهم)

۱. خار: استعاره از مشکلات

۲. وادی ایمن: صحرایی در کوه طور (تلمیح)

۳. فرعونیان و قبطیان: استعاره از اسرائیلیان / موسی: استعاره از امام خمینی

نیل: استعاره از دشواری‌های راه = تلمیح

۴. خانه: استعاره از فلسطین / تخت و نگین: فلسطین = تلمیح به داستان حضرت سلیمان

۵. هامون اگر دریا شود از خون بتازید: هامون اگر مانند دریا شود: تشبیه

۶. جولان = جودان: جناس همسان (تام) - مصراع اول نام منطقه‌ای - مصراع دوم تاخت و تاز

۷. لبنان - دیر یاسین: مجاز از مردم ساکن این دو منطقه

۸. طور سینین: مجاز از فلسطین / رُفت = رفت = جناس ناهمسان

ای کعبه به داغ ماتمت نیلی پوش / وز تشنگی‌ات، فرات در جوش و خروش

حُسن تعلیل / تشخیص = استعاره (فرات در جوش و خروش) / نیلی = تیره (در این بیت)

شعر در وصف حضرت ابوالفضل

تذکر: فرق مُنْکِر با مُنْکَر: مُنْکِر: انکارکننده / مُنْکَر: زشت

تذکر: شعر «صبح بی تو» در قالب غزل و در وصف امام زمان

قفل تیرگی: اضافه تشبیهی

درس دوازدهم:

داستان کاوه دادرخواه از دید تاریخ ادبیات بررسی شود.

۱. ضحاک در اوستا موجودی است سه‌پوزه سه‌سر - شش چشم او فریب ابلیس را می‌خورد و پدر خود «مرداس» (که مردی پاک‌دین بود) را می‌کشد.
- ابلیس: در لباس خوالیگری (آشپز) خود را به ضحاک عرضه می‌کند و بر دوش‌های او بوسه می‌زند و از دوش ضحاک دو مار می‌روید که ...
- پایان ضحاک: به دست فریدون در کوه دماوند به بند کشیده می‌شود و در غاری سرنگون آویخت.

ابیات:

۱. نهان گشت کردار فرزنانگان / پراگنده شد کام دیوانگان
۲. هنر خوار شد، جادویی ارجمند / نهان راستی، آشکارا گزند
۳. ز هر کشوری مهتران را بخواست / که در پادشاهی کند پشت راست
۴. یکی محضر اکنون ببايد نوشت / که جز تخم نیکی، سپهد نکشت: اضافه تشبیهی
۵. تو شاهی و گر اژدهاپیکری / ببايد زدن داستان، آوری
گر (یا)
۶. شماریت با من ببايد گرفت / بدان تا جهان ماند اندر شگفت
۷. که مارانت را مغز فرزند من / همی داد باید ز هر انجمن
به: حرف اضافه (ماران: متمم)
- خروشید کای پایمردان دیو / بریده دل از ترس گیهان خدیو
کلمه سبک: به معنای فوراً
- بدرید و بسپرد محضر به پای / بازارگاه: کجاز از مردم بازار / جهان: مجاز از مردم جهان
چرم: مجاز از پیش‌بند چرمی
- ویژگی‌های حماسه: ۱. داستانی ۲. قهرمانی ۳. خرق عادت ۴. ملی
نمونه زمینه ملی: بپوید کاین مهتر آهرمن است / جهان را به دل دشمن است
نمونه قهرمانی: چنان بُد که ضحاک را روز و شب / به نام فریدون گشادی دو لب
درفش کاویان: نماد پیروزی
تو یک ساعت چ افریدون به میدان باش تازان پس / به هر جانب که روی آوری درفش کاویان بینی

گنج حکمت:

- گشتی‌گیری که در زورآزمایی شهره بود. بدر در میدان او هلالی بودی و رستم به دستان او زالی
هلالی و زالی: سجع / بدر: استعاره از شخص تنومند ≠ هلال: استعاره از شخص ضعیف و لاغر
دستان - زال - رستم: مراعات نظیر (ایهام تناسب)
علم در هر بابی لایق است و عالم در آن باب بر همه فایق، استعداد مجرد جز حسرت روزگار نیست = فایق و لایق: سجع

درس شانزدهم: (قصه عینکم)

نثر قصه عینکم ساده و طنزآمیز است / زاویه دید: اول شخص
 شخصیت اصلی: دانش آموز کلاس هشتم / شیفته: مسحور / خیره: چشم دوختن
 چشم مسلح: عینکی / مهمانش را پذیرایی می کرد: از مهمانش پذیرایی می کرد
 متن دیدار از نظر زاویه دید: سوم شخص (او)
 این غول بی شاخ و دم: استعاره / در آستین چیزی داشتن: کنایه از آماده داشتن
 مدرس مدت ها بود با این هنر به ما آشنایی داشت: استعاره از انتقاد

درس هفدهم: خاموشی دریا

نمادهای درس: ۱. شعله ۲. چراغدان (شعله: کسانی که مستقیم به ما خدمت می کنند و چراغ کسانی که به شکل غیر مستقیم و دور از چشم خدمت می کنند) ۳. آفتاب: استعاره از نعمت های از دست رفته ۴. ستاره: استعاره از نعمت هایی که در اختیار داریم.
 هنگامی که در فروتنی بزرگ باشیم / بیش از همه به آن بزرگ نزدیک شده ایم
 فروتنی موجب بزرگی است / آن بزرگ: استعاره از خدا
 معادل: از آسمان تاج پادشاهی فرو می آید اما بر سر کسی قرار می گیرد که فروتنی کند.
 در این درس آرایه های تشخیص و استعاره دارد.
 موضوع درس: سپاسگزاری از نعمت های داشته / تواضع و فروتنی / برتری انسان از سایر مخلوقات
 کنایه های: ۱. در سایه ایستادن / ۲. به دوش کشیدن / ۳. دست شستن

درس هجدهم: خوان عدل (اضافه تشبیهی)

۱. گوته: از سعدی تأثیر پذیرفته است. هر نفسی از دو نعمت است دم فرو دادن و برآمدنش و آن یکی مُمد حیات است / این یکی مفرح ذات
 در داستان خداست: دست مجاز از قدرت / نگاه دوختن: کنایه از خیره شدن
 شرق از آن خداست و غرب از آن خداست: مالک و قدرتمند بودن
 گوته شیفته حافظ است و از او تأثیر پذیرفته است.
 اختران را در آسمان نهاده / تا به برّ و بحر نشانمان باشد = مگر نه راهنمای ما هر شامگاهان
 رهنان کوه و دشت را بترسانند
 بیت: سرود مجلس اکنون فلک به رقص آرد / که شعر حافظ شیرین سخن ترانه اوست
 که با متن درس ارتباط دارد.
 ارتباط متن درس کویر (دکتر شریعتی) با متن درس:
 در کویر، بیرون از دیوار خانه، پشت حصار ده، دیگر هیچ نیست، صحرای بی کرانه عدم است ... راه، تنها به سوی آسمان باز است.
 بگذار که سرخوش به دوردست روم / و بر فراز سرم هیچ چیز جز اختران نبینم

آزمون نهایی ۱۴۰۳ (آزمون یک)

۱. در عبارت‌های زیر کدام واژه‌ها با هم مترادف معنایی دارند؟

- خاله‌ام با همه تمکّنی که داشت، به زندگی درویشانه‌ای قناعت کرده بود.

- با این همه، حضرت غنا، دیگری را به جای او نخواند.

۲. معنی واژه مشخص شده را بنویسید.

«زاغی در حوالی آن بر درختی بزرگ گشن خانه داشت.»

۳. از بین گروه واژه‌های زیر، معنای دو واژه نادرست است؛ درست آن‌ها را بنویسید.

«پایمردی: شفاعت - چنبر: کمند - هژیر: خشمگین - زنخدان: چانه - خنیده: نامدار - مخنقه: گردن»

۴. نوشتار کدام واژه داخل کمانک، کامل کننده مفهوم عبارت است؟

الف) عزیزترین رفقای من حُسن سیرت را با (سباح‌ت / صباح‌ت) توأم داشت.

ب) بزَن زخم، این (مرهم / مرحم) عاشق است / که بی‌زخم مردن، غم عاشق است

۵. در هر عبارت املای یک واژه نادرست است؛ شکل درست آن‌ها را بنویسید.

الف) چون موسم حج رسید، برخاست / اشتر طلبید و مهمل آراست

ب) ایشان حقوق مرا به طاعت و مناصحت بگذارند و به معونت و مظاهرت ایشان از دست صیّاد بجستم.

ج) سپیده فردای گنجه با نهیب و صفر گلوله‌های توپ روس، باز شد.

د) دلم را بده عظم بر بندگی / نه چون بی غمانم هوسناک کن

۶. از میان گروه‌های زیر، املای دو واژه درست نیست؛ شکل درست آن‌ها را بنویسید.

«الحاح و اسرار - رشحه و قطره - زهاب دیدگان - یُغور و درشت - خوان و طبق - رغبت و خاست»

۷. وضعیت کدام واژه مشخص شده در گذر زمان همانند کلمه «محضر» در مصراع «بدرید و بسپرد محضر به پای» است؟

الف) پای راست افگار شد.

ب) اختلاف صیّادان آنجا متواتر.

ج) پا در رکاب راهوار خویش دارند.

۸. با توجه به انواع صفت بیانی کدام واژه در هر گروه با بقیه متفاوت است؟

- | | | | |
|----------------|------------|---------------|-------------|
| الف) ۱- سحرزاد | ۲- زخم‌دار | ۳- جهان‌آفرین | ۴- نیلی‌پوش |
| ب) ۱- ایرانی | ۲- کبریایی | ۳- نورانی | ۴- شکاری |

۹. به سؤالات زیر پاسخ دهید.

الف) در کدام یک از ابیات زیر، جمله مرکب دیده می‌شود؟

- ۱- فرزند عزیز را به صد جهد / بنشانند چو ماه در یکی مهد
 ۲- مجنون چو حدیث عشق بشنید / اول بگریست، پس بخندید
 ب) در بیت زیر، زمان فعل مشخص شده را بنویسید.
 «بگذار بر پشت زین خود معتبر بمانم»

۱۰. اجزای جمله دوم بیت زیر را مطابق زبان معیار مرتب کنید.

«خروشید و زد دست بر سر ز شاه / که شاهانم کاوه دادخواه!»

۱۱. تفاوت نقش دستوری واژه «شاه» را در عبارت‌های زیر بنویسید.

- الف) سران کشور و در رأسش فتحعلی شاه در فکر تدارک سپاه برای مقابله با دست‌اندازی‌های روس‌ها بودند.
 ب) عباس میرزا خود را برای شرکت در مراسم سلام نوروزی شاه، به تهران رسانده بود.

۱۲. درستی و نادرستی هر عبارت را مشخص کنید.

- الف) در بیت «نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست / چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست» می‌توان از شیوه قرار گرفتن واژه در جمله به معنای کلمه «چنگ» پی برد. (درست - نادرست)
 ب) در مصراع نخست بیت «ز ره لخت لخت و قبا چاک چاک / سر روی مردان پُر از گرد و خاک» نوع «و» عطف است. (درست - نادرست)
 ج) نقش دستوری واژه مشخص شده در عبارت زیر «قید» است. (درست - نادرست)
 «شما جنگاوران سرافراز، در طول سال‌های دفاع، شجاعانه و مخلصانه جنگیدید.»

۱۳. در عبارت «خویشان همه در نیاز با او / هریک شده چاره‌ساز با او»

- الف) نقش واژه‌های مشخص شده را بنویسید.
 ب) نوع وابسته را در گروه نهادی «هریک» تعیین کنید.

۱۴. در کدام عبارت، کاربرد فعل «مجهول» مشهود است؟

- الف) چون نامه گسیل کرده شود، تو باز آی که پیغامی ست سوی بونصر در یابی، تا داده آید.
 ب) تا نزدیک نماز پیشین، از این مهمات فارغ شده بود و خیلانشان و سوار را گسیل کرده.

۱۵. در کدام بیت، جناس همسان (تام) دیده می‌شود؟

- الف) می‌گفت، گرفته حلقه در بر / کامروز منم چو حلقه بر در
 ب) حکم جلودار است بر هامون بتازید / هامون اگر دریا شود از خون، بتازید

۱۶. آرایه مناسب موارد مشخص شده را بنویسید.

- الف) «اما چراغدان را هم / که همیشه صبورانه در سایه می‌ایستد، از یاد مبر.»
 ب) این شیخ همیشه شاب، هم هیبت یک آموزگار را دارد و هم مهر یک پرستار.
 ج) کدام دانه فرو رفت در زمین که نرسد؟ / چرا به دانه انسانی این گمان باشد؟

۱۷. در بیت «چو آن آهنین کوه آمد به دشت / همه رزمگه کوه فولاد گشت» کدام آرایه بارز حماسه وجود دارد؟

- الف) ایهام ب) تضاد ج) اغراق د) تضمین

۱۸. عبارت «در زبان فارسی، احدی نتوانسته است مانند او حرف بزند و در عین حال، نظیر حرف زدن او را هر روز در

هر کوچه و بازار می‌شنویم.» بیانگر کدام ویژگی سبک سعدی است؟

۱۹. کدام ویژگی شعر حماسی در بیت زیر دیده می‌شود؟

«همی رفت پیش اندرون مرد گرد / سپاهی بر او انجمن شد، نه خُرد»

- الف) ملّی ب) قهرمانی ج) قهرمانی و ملّی

۲۰. «گفته» در عبارت زیر از کدام شاعر تأثیر پذیرفته است؟

«مگر نه راهنمای ما هر شامگاهان با صدای دلکش، بیتی چند از غزل‌های شورانگیز تو را می‌خواند تا اختران آسمان را

بیدار کند و رهزان کوه و دشت را بترساند؟»

۲۱. کدام عبارت، برابر معنایی هریک از مفاهیم زیر است؟

مفهوم	عبارت
الف) نپذیرفتن	۱- راه تافتن
ب) تغییر مسیر دادن	۲- بخایید دندان به دندان کین ۳- تن درندادن ۴- از فرط هیجان لَکّه دویدن

۲۲. بیت «گرچه ز شراب مستم / عاشق تر ازین کنم که هستم» برگرفته از منظومه داستانی «لیلی و مجنون» است؛ قالب شعری آن است.

۲۳. آرایه مشترک عبارت‌های زیر را بنویسید.

- در ذهن عباس میرزا، تنها، معمّای اُفت و خیزهای جنگ و شکست‌ها و پیروزی‌ها نبود که حضور سنگینی داشت.
- مولانا طعن و ناسزای دشمنان را هرگز جواب تلخ نمی‌داد و به نرمی و حُسن خُلق، آنان را به راه راست می‌آورد.

۲۴. در عبارات زیر، گزینه درست را انتخاب کنید.

- الف) شیخ عطار، کتاب «اسرارنامه» و «منطق الطیر» را به جلال الدین (مولانا) خُردسال هدیه داد.
- ب) نثر درس «کاوه دادخواه» برگرفته از کتاب «چشمه روشن غلامحسین یوسفی» از نوع ادبیات تعلیمی است.
- ج) شعر «در امواج سند» سروده «مهدی حمیدی شیرازی» و شرح دلاوری‌های جلال الدین خوارزمشاهی است.
- د) کتاب «ماه نو و مرغان آواره» اثر یوهان ولفگانگ گوته و «دیوان غربی - شرقی» اثر رابیندرانات تاگور است.

۲۵. در هر گروه نام یکی از پدیدآورندگان آثار به درستی بیان نشده است؛ درست آن‌ها را بنویسید.

- الف) روزها: دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن - اسرارالتوحید: محمد عوفی - بهارستان: جامی
- ب) روضة خلد: مجد خوافی - شلوارهای وصله‌دار: کامور بخشایش - هم‌صدا با حلق اسماعیل: سید حسن حسینی

۲۶. کتاب «پیامبر و دیوانه» اثر کیست؟

۲۷. به سؤالات زیر پاسخ دهید.

- الف) مصراعی از شعر «زاغ و کبک» را بنویسید که در آن، واژه «قاعده» وجود دارد؟
 ب) کدام یک از موارد زیر، تکمیل کننده مصرع «خواستم از رنجش دوری بگویم، یادم آمد» است؟
 ۱- عشق اما کی خبر از شنبه و آدینه دارد
 ۲- عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد
 ج) با توجه به شعرهای حفظی در هر یک از ابیات زیر، برخی واژه‌ها جابه‌جا شده‌اند؛ آن‌ها را در جای خود قرار دهید.
 ۱- رود گر ذره‌ای ز خاکت به باد / آن ذره به خون من آغشته باد
 ۲- دی شیخ همی گشت با چراغ گرد شهر / کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست

۲۸. گوینده هر عبارت از کدام ویژگی اخلاقی برخوردار است؟

- الف) آنچه دارم از اندک مایه حطام دنیا کفایت است.
 ب) مرا نیز از عهده لوازم ریاست بیرون باید آمد و مواجب سیادت را به آدا رسانید.
 ج) گویند ز عشق کن جدایی / این نیست طریق آشنایی

۲۹. در بیت زیر منظور از «دریای خون» چیست؟

«در آن دریای خون، در دشت تاریک / به دنبال سر چنگیز می‌گشت»

۳۰. مصرع دوم بیت زیر به چه مفهومی اشاره دارد؟

«چه جانانه چرخ جنون می‌زنند / دف عشق با دست خون می‌زنند»

۳۱. با توجه به بیت زیر، محصول آمیختن عشق و روح نامیده شد.

«سرنشتر عشق بر رگ روح زدند / یک قطره فروچکید و نامش دل شد»

۳۲. بیت «هنر خوار شد، جادویی ارجمند / نهان راستی، آشکارا گزند» به کدام پدیده اجتماعی اشاره دارد؟

۳۳. واژه‌های مشخص شده در بیت زیر، معرف کدام شخصیت‌های تاریخی هستند؟

«سیر بر سرآورد شیراله / علم کرد شمشیر آن اژدها»

۳۴. مفهوم مشترک عبارت‌های مشخص شده را بنویسید.

- الف) وقت است تا برگ سفر بر باره بندیم / دل بر عبور از سدّ خار و خاره بندیم
 ب) وادی پر از فرعونیان و قبطیان است / موسی جلودارست و نیل اندر میان است

۳۵. گوینده در عبارت: «متلکی می گفت که دو برادری مثل غَلَم یزید می مانید. دراز دراز، می خواهید بروید آسمان، شورا بیاورید.» کدام ویژگی ظاهری را مورد انتقاد قرار می دهد؟



۳۶. هریک از عبارات زیر بیانگر کدام دیدگاه است؟

الف) مردمی که به خانه های تاریک و بی دریچه عادت کرده اند، از پنجره های باز و نورگیر، گریزان هستند؛ آخر چشمشان را می زند و خسته شان می کند.

ب) ما به فلک بوده ایم، یار مَلک بوده ایم / باز همان جا رویم، جمله که آن شهر ماست

ج) و تو شکر خدا کن، به هنگام رنج / و شکر او کن، به وقت رستن از رنج



۳۷. برای هر عبارت، یک مفهوم ارزشمند بنویسید.

الف) هر عصب و فکر به منبع بی شائبه ایمان وصل بود که خوب و بد را مشیت الهی می پذیرفت.

ب) هنگامی که / در فروتنی، بزرگ باشیم، بیش از همه به آن بزرگ نزدیک شده ایم.



۳۸. معنی عبارات و ابیات زیر را به نثر روان بنویسید.

الف) به نشاط، قلم در نهاد.

ب) عشق دواسبه می آمد.

ج) آن یکی مُمد حیات است.

د) من قُلا کردم.

ه) نمی دانست در کجا ریشه بدواند.

و) از آن ها که خونین سفر کرده اند / سفر بر مدار خطر کرده اند

ز) بگیر ای جوان، دست درویش پیر

ح) چو لشکر گرد بر گردش گرفتند / چو کشتی، بادپا در رود افکند!

ط) گُرازان به تگ ایستاد.

ی) یعنی کلیم آهنگ جان سامری کرد.

پاسخنامه:

۱. تمکّن غنا اشاره به دو واژه الزامی است
۲. انبوه یا پر شاخ و برگ
۳. هژبر: شیر مخنقه: گردنبند
۴. الف) صباحت ب) مرهم
۵. الف) محمل ب) بگزارند ج) نهیب د) عزم
۶. اصرار خواست
۷. ب) یا اختلاف
۸. الف) ۱ یا سحرزاد ب) ۳ یا نورانی
۹. الف) ۲ یا مجنون چو حدیث عشق ب) مضارع التزامی
۱۰. ز شاه دست بر سر زد
۱۱. الف) شاخص ب) مضاف الیه
۱۲. الف) درست ب) نادرست ج) درست
۱۳. الف) بدل مسند ب) هر: صفت مبهم
۱۴. الف) یا چون نامه گسیل
۱۵. الف) یا می گفت گرفته حلقه
۱۶. الف) نماد یا استعاره یا تشخیص یا مجاز ب) متناقض نما ج) تشبیه (اضافه تشبیهی)
۱۷. اغراق
۱۸. سهل ممتنع بودن ۱۹. ملی و قهرمانی
۲۰. حافظ
۲۱. الف) ۳ یا تن در ندادن ب) ۱ یا راه تافتن
۲۲. مثنوی
۲۳. حس آمیزی
۲۴. ج) یا شعر در امواج سند
۲۵. اسرارالتوحید: محمد بن منور شلوارهای وصله دار: رسول پرویزی
۲۶. جبران خلیل جبران
۲۷. الف) رفت بر این قاعده روزی سه چار ب) ۲ یا عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد.
- ج) توجه: در صورت جابه جایی نادرست بقیه اجزای هر بیت نمره تعلق نمی گیرد.
- ۱) رود ذره ای گر ز خاکت به باد / به خون من آن ذره آغشته باد
- ۲) دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر / کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست

۲۸. الف) قانع بودن ب) مسئولیت پذیر ج) وفادار

۲۹. میدان جنگ

۳۰. با اشتیاق به استقبال شهادت رفتن یا هر پاسخ مشابه دیگر

۳۱. دل / قلب

۳۲. برای این سؤال به هر پاسخ مشابه نمره تعلق می گیرد.

از بین رفتن ارزش ها (رواج ناهنجاری ها در جامعه / بی ارزش شدن فضایل اخلاقی)

۳۳. شیراله: حضرت علی (ع) ازدها: عمرو

۳۴. وجود مشکلات و موانع

۳۵. درازی قد یا هر معنی یا مفهوم مشابه دیگر

۳۶. الف) سخت بودن تغییر عادت ها (ترس از تغییر عادت ها)

ب) بازگشت همه به عالم بالاست ج) یاد خدا آرام بخش است.

۳۷. الف) اعتقاد به مشیت الهی ب) فروتنی

۳۸. الف) با شادی شروع به نوشتن کرد.

ب) عشق با شتاب آمد.

ج) آن یکی یاری کننده (مدد کننده) زندگی است.

د) من کمین کردم (در پی فرصت بودم).

ه) نمی دانست در کجا ساکن شود یا اقامت کند.

و) از آن ها که به شهادت رسیدند و خطر را پذیرفتند.

ز) ای جوان به انسان ضعیف (ناتوان) کمک کن.

ح) وقتی که لشکر او را محاصره کرد اسب را مانند کشتی در آب انداخت.

ط) خرامان (با ناز و تکبر) شروع به دویدن کرد.

ی) یعنی امام خمینی (ره) (مانند حضرت موسی) قصد نابودی دشمن (اسرائیلی ها) را کرد.



آزمون دو

۱. معنی واژگان صحیح را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) حق تعالی - عزرائیل را بفرمود: «برو اگر به طوع و رغبت نباید به اکراه و اجبار برگیر و بیاور» (اطاعت - کراهت)

ب) تو شاهی و گر ازدهاپیکری / نباید زدن داستان آوری (به طور قطع - احتمالاً)

۲. کدام واژه داخل کمانک از نظر املائی درست است؟

الف) عزیزترین رفقای من که حُسن سیرت را با (صباح - سباح) توأم داشت، لبخندی زده، گفت من می‌خواهم با مایه اندک، بازرگانی را پیش گیرم.

ب) من قلا کردم و روزی که پیرزن نبود، رفتم سر بقچه‌اش. (غلا - قلا)

ج) کشتی‌گیری بود که در زورآزمایی شهره بود. پدر در میدان (هلالی - حلالی) بود و رستم به دستان او زالی.



۳. در عبارت «من می‌ترسم که اگر از گشادن عقده‌های من آغاز کنی ملول شوی و بعضی از ایشان در بند بمانند و چون بسته باشم - اگر چه ملالت به کمال رسیده باشد - اهمال جانب من جایز نشمری» واژه مشخص شده در کدام معنی نیامده است؟

الف) کوتاهی کردن ب) سهل انگاری کردن ج) آزردن کردن د) کم کاری کردن



۴. کدام یک از واژگان مقابل نمی‌تواند معادل معنایی واژه مشخص شده باشد؟ (اندرونی، اتاق مخصوص خدمتگزاران، اتاق تشریفات)

«بونصر نامه‌های رسیده را به خط خویش، مکث بیرون می‌آورد و چیزی که در او کراهیتی نبود، می‌فرستاد فروود سرای»



۵. در کدام یک از عبارات زیر غلط املائی دیده می‌شود؟ آن را اصلاح کنید.

الف) ناگاه آن دیدند که چون آب نیرو کرده بود و کشتی پر شده، نشستن و دریدن گرفت. آن‌گاه آگاه شدند که غرقه خواست شد. بانگ و هزاهز و غریو خاست، امیر برخاست.

ب) و چون ایشان حقوق مرا به طاعت و مناصحت بگزاردند و به معونت و مظاهرت ایشان از دست صیاد بجستم، مرا نیز از عهده لوازم ریاست بیرون باید آمد و موجب صیادت را به ادا رسانید.



۶. در کدام یک از گزینه‌های زیر غلط املائی دیده نمی‌شود؟

الف) از آن‌ها که خورشید فریادشان / دمید از گلوی سحرزاده شان

ب) بزن زخم، این مرحم عاشق است / که بی زخم مردن غم عاشق است

ج) حلا منکر جان و جانان ما / بزن زخم انکار بر جان ما

د) چه جانانه چرخ جنون می‌زنند / دف عشق با دست خون می‌زنند

۷. کدام بیت به لحاظ املایی درست است؟

- الف) سپر بر سر آورده شیر اله / علم کرد شمشیر آن ازدها
 ب) بیفشرد چون کوه پا بر زمین / بخوایید دندان به دندان کین

۸. با توجه به ابیات زیر، به سؤالات پاسخ دهید.

به روز مرگ، چو تابوت من روان باشد / گمان مبر که مرا درد این جهان باشد
 برای من مگوی و مگوی دریغ دریغ / به دام دیو درافتی، دریغ آن باشد

- الف) در بیت اول چند متمم وجود دارد؟
 ب) یک حرف ربط وابسته‌ساز مشخص کنید
 ج) کدام واژه در بیت دوم، نقش تبعی دارد؟
 د) «مسند» در جمله آخر، صفت اشاره است. درست نادرست

۹. در بیت «دریاب که مبتلای عشقم / آزاد کن از بلای عشقم»

- الف) نقش دستوری «م» در مصراع دوم است.
 ب) جمله هسته (پایه) را مشخص کنید.

۱۰. وضعیت کدام دو واژه در گذر زمان یکسان است؟

- الف) (سوفار - سوگند) ب) (کثیف - فتراک) ج) (سپر - رکاب)

۱۱. نوع حذف، در کدام عبارت متفاوت است؟

- الف) درفشان لاله در وی چون چراغی
 ج) شیران غریدند و به اتفاق، آهو را از دام رهانید
 ب) نهان راستی، آشکارا گزند

۱۲. در بیت «بپوید کاین مهتر اهرمن است / جهان آفرین را به دل دشمن است»

- الف) نوع وابسته پیشین در جمله دوم را بنویسید.
 ب) نقش واژه مشخص شده را بنویسید.

۱۳. در عبارت «با کشته شدن آغامحمدخان، فتحعلی شاه بر تخت نشست، شاهزاده نوجوان، میرزا عیسی قائم مقام را نه تنها وزیر خردمند، بلکه مرشد و پدر معنوی خود دانست و بی اذن و خواست او دست به کاری نمی‌زد»

(الف) مرجع ضمیر «او» در جمله آخر، کدام واژه است؟

(ب) یک وابسته پیشین در جمله دوم پیدا کرده و نوع آن را بنویسید.



۱۴. در عبارت زیر چند فعل مجهول وجود دارد؟

امیر گفت در این دو سه روز، بار داده آید. نامه‌ها نبشته آمد. چون نامه‌ها گسیل کرده شد. تو باز آی که پیغامی ست سوی بونصر تا داده آید.



۱۵. نوع صفت بیانی در کدام مصراع متفاوت است؟

(الف) برو شیر درنده باش، ای دغل

(ب) برافراخت پس دست خیبر گشا

(ج) همی رفت پیش اندرون مرد گرد

(د) که ای نامداران یزدان پرست



۱۶. در کدام یک از ابیات زیر، هر دو آرایه تشبیه و استعاره دیده می‌شود؟

(الف) به خوناب شفق در دامن شام / به خون آلوده ایران کهن دید

(ب) نهان می‌گشت روی روشن روز / به زیر دامن شب در سیاهی



۱۷. آرایه مشترک در مصراع اول ابیات زیر را بنویسید.

(الف) از شب‌نم عشق خاک آدم گل شد / صد فتنه و شور در جهان حاصل شد

(ب) سرنشتر عشق بر رگ روح زدند / یک قطره فرو چکید و نامش دل شد



۱۸. واژه «ماه / مه» در کدام بیت آرایه استعاره نیست؟

(الف) به ترانه‌های شیرین به بهانه‌های زرین / بکشید سوی خانه مه خوب خوش لقا را

(ب) فرزند عزیز را به صد جهد / بنشانند چو ماه در یکی مهد

(ج) چون رایت عشق آن جهانگیر / شد چون مه لیلی آسمان گیر

۱۹. در عبارت «یقین شد که من فکر تازه‌ای در سر دارم که او را دست بیندازم و مسخره کنم. ناگهان چون پلنگی خشمناک راه افتاد اتفاقاً این آقای معلّم لهجه غلیظ شیرازی داشت و اسرار داشت که خیلی خیلی عامیانه صحبت کند. همین‌طور که پیش می‌آمد با لهجه خاصّش گفت: به به! مثل؟؟ ها صورتک زدی؟

الف) یک آرایه حس‌آمیزی بیابید. (ب) یک کنایه بیابید و مفهوم آن را بنویسید.

ج) در جمله پنجم، مشبه و مشبه‌به را مشخص کنید.

۲۰. با توجه به جدول زیر، بیت مربوط به هر آرایه را مقابل آن بنویسید. (یک بیت اضافی است).

الف) مجاز	۱- ای حقیقی‌ترین مجاز من، ای عشق! ای همه استعاره‌ها با تو
ب) متناقض‌نما	۲- جانان من اندوه لبنان کشت ما را / بشکست داغ دیر یاسین پشت ما را
ج) تلمیح	۳- به پاس هر وجب خاکی از این ملک / چه بسیار است آن سرها که رفته
	۴- چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر / چه باشی چو روبه به وامانده سیر

۲۱. مهم‌ترین اثر نجم‌الدین رازی (دایه) را نام ببرید.

۲۲. در کدام گزینه، نام نویسنده نادرست است؟

- الف) (روضه خلد: مجد خوافی) (ب) (چشمه روشن: غلامحسین یوسفی)
- ج) (شلوارهای وصله‌دار: رسول پرویزی) (د) (روزها: مجید واعظی)

۲۳. کتابی است عرفانی در مورد زندگی ابوسعید ابوالخیر. نام این کتاب (تذکره‌الاولیا - اسرارالتوحید) است و نویسنده آن (محمد بن منور - عطار نیشابوری) نام دارد.

۲۴. ابیات زیر را کامل کنید.

- الف) باز کشید از روش خویش پای (ب) به چشمان من کیمیا خاک توست

۲۵. مفهوم کدام یک از ابیات زیر متفاوت است؟

- الف) یقین مرد را دیده بیننده کرد / شد و تکیه بر آفریننده کرد
- ب) کزین پس به کنجی نشیند چو مور / که روزی نخوردند پیلان به زور
- ج) زنخدان فرو برد چندی به جیب / که بخشنده روزی فرستد ز غیب
- د) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست / چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست

۲۶. با توجه به مفهوم قسمت‌های مشخص شده در عبارت «قاضی بسیار دعا کرد و گفت: این صلت فخر است. پذیرفتم و باز دادم که مرا به کار نیست و قیامت سخت نزدیک است، حساب این نتوانم داد»

۲۷. در بیت «گو یا رب از این گزاف کاری / توفیق دهم به رستگاری» مقصود شاعر از گزاف کاری چیست؟

۲۸. کدام یک از مفاهیم زیر از بیت مقابل دریافت نمی‌شود؟ بدان شمشیر تیز عافیت سوز / در آن انبوه کار مرگ بمیرم»

الف) تیزی شمشیر ب) پرشماری حریف ج) دلاوری فرمانده د) وحشی‌گری دشمن

۲۹. مقصود شاعر از قسمت مشخص شده چیست؟ «فرصت بده ای روح جنون تا غزل بعد / در غیرت ما نیست که در ننگ بمیریم»

الف) درخواست یک شعر دیگر ب) درخواست فرصت کوتاه

۳۰. شاعر در بیت مقابل چه کاری را توصیه می‌کند؟ «به آنچه می‌گذرد دل منه که دجله بسی / پس از خلیفه بخواهد گذشت در بغداد»

۳۱. قسمت‌های مشخص شده در عبارت «کبوتران را فرمود فرود آیید، فرمان او نگاه داشتند و جمله بنشستند و آن موش را زبرا نام بود، با دهای تمام و خرد بسیار» به ترتیب بیانگر کدام ویژگی‌های کبوتران و زبرا است؟

الف) کبوتران: ب) زبرا:

۳۲. مفهوم کنایی دو بیت زیر به کدام گزینه نزدیک‌تر است؟

ای کعبه به داغ ماتمت، نیلی پوش / وز تشنگیات، فرات در جوش و خروش
جز تو که فرات، رشحه‌ای از یم توست / دریا نشنیدم که کشد مشک به دوش

الف) نیلی پوشی کعبه ب) مشک به دوش کشیدن دریا

ج) سوگواری عمیق برای تشنگی خود خواسته

۳۳. در بیت «با جوانان چو دست بگشادی / پای گردون پیر بربستی» شاعر فردی را توصیف می‌کند که به لحاظ کدام جنبه، قوی است؟

الف) جسمی ب) روحی

۳۴. براساس مفهوم ابیات زیر، کدام دسته از افراد، مخاطب شاعر نیست؟

خروشید کای پایمردان دیو / بریده دل از ترس کیهان خدیو

همه سوی دوزخ نهادید روی / سپردید دل‌ها به گفتار اوی

الف) شورشیان درباری ب) افراد خداترس ج) بازیگران اهریمن

۳۵. در عبارت «ننه - خدا حفظش کند - هر وقت برای من و برادرم لباس می‌خرید، ناله‌اش بلند بود. متلکی می‌گفت که دو برادری مثل علم یزید می‌مانید. می‌خواهید بروید آسمان، شورا بیاورید» کدام ویژگی مشترک نویسنده و برادرش توصیف شده است؟

۳۶. با توجه به درس «در کوی عاشقان» و غیبت شمس، مفهوم بیت:
«گر او به وعده گوید که دمی دگر بیابم، همه وعده مگر باشد، بفرید او شما را»
در ارتباط با شخصیتی فریبکار است یا معشوقی دست نیافتنی؟

۳۷. معنی ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.

الف) خداوند این سخت، نیکو کرد و شنوده‌ام که ابوالحسن و پسرش وقت باشد که به ده درم درمانده‌اند.

ب) میان موج می‌رقصید در آب به رقص مرگ اخترهای انبوه

ج) نعره‌های درهم شترهای حامل زنبورک، با آهنگ شیپورها در هم می‌آمیخت.

د) چون به دل رسیده دل را بر مثال کوشکی یافت.

ه) یعنی کلیم آهنگ جان سامری کرد! ای یاوران باید ولی را یآوری کرد.

ز) در هنگام بلا شرکت بوده، در وقت فراغ موافقت اولی‌تر.

ح) کدام دانه در زمین فرو رفت که نرست / چرا به دانه انسانیت این گمان باشد

پاسخنامه:

۱. الف) اطاعت ب) به‌طور قطع

۲. الف) سیاحت ب) قلا ج) هلالی

۳. گزینه «ج» یا آزرده کردن

۴. اتاق تشریفات

۵. گزینه «ب» مناصحت - سیادت

۶. گزینه «د» یا چه جانانه چرخ جنون می‌زنند / دف عشق با دست خون می‌زنند
۷. گزینه «الف» یا سپر بر سر آورد شیراله / علم کرد شمشیر آن ازدها
۸. الف) دو متمم (روز / من) ب) «چو» یا «گه» ج) دریغ د) نادرست
۹. الف) مفعول ب) دریاب
۱۰. گزینه «ج» یا سپر و رکاب
۱۱. عبارت «ج» یا شیران غریدند و به اتفاق، آهو را از دام رهانید
۱۲. الف) صفت اشاره ب) مضاف‌الیه
۱۳. الف) میرزا عیسی قائم مقام ب) میرزا / شاخص
۱۴. چهار جمله
۱۵. گزینه «ج» یا همی رفت پیش اندرون مرد گرد
۱۶. بیت «الف» یا به خوناب شفق در دامن شام / به خون آلوده ایران کهن دید
۱۷. اضافه تشبیهی
۱۸. گزینه «ب» یا فرزند عزیز را به صد جهد / بنشانند چو ماه در یکی مهد
۱۹. الف) لهجه غلیظ ب) دست انداختن کنایه از مسخره کردن ج) من (مشبه) – پلنگ (مشبه‌به)
۲۰. الف ۳) مجاز یا «به پاس هر وجب خاکی از این ملک / چه بسیار است آن سرها که رفته» (خاک: مجاز – سر: مجاز)
- ب ۱) متناقض‌نما یا «ای حقیقی‌ترین مجاز من ای عشق / ای همه استعاره‌ها با تو»
- ج ۲) تلمیح یا «جانان من اندوه لبنان کشت ما را / بشکست داغ دیر یاسین پشت ما را»
۲۱. مرصاد العباد
۲۲. گزینه «د» یا (روزها – مجید واعظی)
۲۳. اسرارالتوحید محمد بن منور
۲۴. الف) در پی او کرد به تقلید جای ب) مرا اوج عزت در افلاک توست
۲۵. گزینه «د» یا «نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست / چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست»
۲۶. آداب‌دان بودن (یا مفاهیم نزدیک) – ایمان به حساب قیامت (یا مفاهیم نزدیک)
۲۷. عشق‌ورزی (یا مفاهیم نزدیک)
۲۸. گزینه «د» یا وحشی‌گری دشمن
۲۹. گزینه «ب» یا «درخواست یک فرصت کوتاه»
۳۰. دل نبستن به دنیا (یا هر مفهوم نزدیک دیگر)

۳۱. الف) کبوتران: فرمان‌پذیری و اطاعت
 ب) زبرا: زیرکی و هوشمندی
۳۲. گزینه «ج» یا «سوگواری عمیق برای تشنگی خود خواسته»
۳۳. گزینه «الف» جسمی
۳۴. گزینه «الف» یا شورشیان درباری
۳۵. درازی و قد بلند آنان (یا هر مفهوم نزدیک)
۳۶. معشوقی دست نیافتنی
۳۷. الف) سلطان مسعود این کار را بسیار به جا انجام داده است. و شنیده‌ام ابوالحسن و پسرش گاهی اوقات حتی ده درهم برای خرج کردن ندارند.
- ب) ستاره‌های بی‌شمار آسمان در میان آب رودخانه (سند) رقص مرگ می‌کردند.
- ج) صدای شترهایی که حامل توپ‌های جنگی بودند یا صدای شیپور جنگ، در هم آمیخته بود.
- د) (ابلیس) هنگامی که بر دل انسان رسید آن را همچون کاخی (باعظمت) یافت.
- ه) رهبر انقلاب قصد از میان برداشتن اشغالگران ایرانی را دارد. ای یاران انقلاب، لازم است از ولی و رهبرمان حمایت کنیم.
- و) کاوه به بارگاه پادشاهان جدید، فریدون، آمد و مردم، فریدون را در مخفی‌گاهش دیدند و با دیدن او فریاد شادی سر دادند.
- ز) در هنگام گرفتاری با هم بوده‌ایم. پس در وقت آسایش نیز شایسته است که با هم باشیم.
- ح) کدام دانه است که پس از کاشتن نروید؟ پس چرا این گمان (ناقص و نادرست) را در مورد انسان داری (و معاد انسان را باور نداری)

آزمون سه

۱. معنای واژگان مشخص شده زیر را بنویسید.

الف) زاغی در حوالی آن بر درختی بزرگ گشن خانه داشت.

ب) مادرم شماتم می‌کرد.

پ) حسن سیرت را با صباح توأم داشت.

ت) فلک باخت از سهم آن جنگ، رنگ

۲. نادرستی‌های املائی را بیابید و درست هر یک را بنویسید.

در فطرت کاینات به وزیر و مؤنوت و مظاهرت محتاج نگشت.

پادشاه پیلان با جمله‌گی هشم و اطباع خویش به آب خوردن به سوی آن چشمه رفت.

۳. شکل درست املایی واژگان را از داخل کمانک برگزینید.

الف) حالی (ثواب - صواب) آن باشد که جمله به طریق تعاون قوّتی کنید.

ب) هر عصب و فکر به منبع (بی شاعبة - بی شائبة) ایمان وصل بود.

پ) پرچم روس‌ها به (اهتزاز - احتزاز) درآمد.

ت) غفلت‌هایم را حمل بر بی استعدادی و (مهملی - محملی) و ولنگاری کردند.

۴. نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) ای کعبه به داغ ماتمت نیلی پوش (ب) ناتانائیل، با تو از انتظار سخن خواهم گفت.

۵. نوع دقیق وابسته‌های مشخص شده زیر را تعیین کنید.

استاد غزل‌سرای برجسته زبان فارسی، خواجه حافظ شیرازی یکی از ارکان ادبیات فارسی است.

۶. در هر یک از جمله‌های زیر، یک نقش تبعی بیابید و نوع هر یک را بنویسید.

الف) آن‌ها به من و تو دروغ گفته‌اند. (ب) سعدی، شاعر شیرازی، در شیراز به خاک سپرده شد.

۷. درستی یا نادرستی هر یک از موارد زیر را مشخص کنید.

الف) «ساخته نمی‌شود» شکل مجهول فعل «نمی‌سازد» است.

ب) «فرزند و پسر» رابطه معنایی «تضمن» دارند.

۸. واژه «خندان» را در نقش قید در جمله به کار برید.

۹. هر یک از واژگان زیر، مشمول کدام یک از وضعیت‌های چهارگانه واژه‌ها در گذر زمان می‌شوند؟

الف) سپر (ب) شوخ

۱۰. از میان صفت‌های روبه‌رو، یک صفت فاعلی و یک صفت مطلق را مشخص کنید. «آسمانی - خریدار - گرفتار - خوب»

۱۱. در هر یک از سروده‌های زیر، فقط یکی از آرایه‌های برجسته «جناس همسان» حسن تعلیل، پارادوکس، کنایه؛ تضمین» را بیابید و مشخص کنید. (یک آرایه اضافه است.)

الف) بخوردم بسی اندوه قوم و خویش / ندیدم یکی مرد، غمخوار خویش
ب) همه برده سر در گریبان فرو / نشد هیچ کس را هوس رزم او
پ) درفشان لاله در وی چون چراغی / ولیک از دود او بر جاننش داغی
ت) بزن زخم، این مرهم عاشق است / که بی زخم مردن غم عاشق است

۱۲. در بیت «به ترانه‌های شیرین، به بهانه‌های زرین / بکشید سوی خانه، مه خوب خوش لقا را» دو آرایه برجسته بیابید و واژه‌های سازنده هر آرایه را مشخص کنید.

۱۳. در بیت «در آن سیماب‌گون امواج لرزان / خیال تازه‌ای در خواب می‌دید» مشبه و مشبه‌به را مشخص کنید.

۱۴. بیت «بر آن گرزۀ گاوسر دست برد / برد بر سرش، ترک بشکست خُرد» بیانگر کدام زمینه حماسه است؟

۱۵. قالب شعری در زمان مشروطه ابداع شد و بیشتر برای طرح مضامین اجتماعی و سیاسی به کار می‌رود.

۱۶. کدام شخصیت ادبی، شیفته و دل‌بسته شعر و اندیشه حافظ بود؟

الف) آندره ژید ب) ریچارد باخ پ) گوته ت) تاگور

۱۷. هریک از آثار زیر متعلق به چه کسی است؟

الف) پیامبر و دیوانه: ب) عباس میرزا، آغازگری تنها:

۱۸. حفظ شعر؛ بیت زیر را کامل کنید.

مرا اوج عزت در افلاک توس /

۱۹. بیت زیر از شعرخوانی «وطن» است. بیت بعدی آن را بنویسید.

کنم جان خود را فدای وطن / که با او چنین است پیمان من

۲۰. مفهوم عبارت «سراچه ذهنم آماس می کرد» چیست؟

۲۱. بیت زیر چه پیامی به خواننده می‌رساند؟

مروّت نبینم رهایی ز بند / به تنها و بارانم اندر کمند

۲۲. در عبارت «اما چراغدان ا هم که همیشه صبورانه در سایه می‌ایستد از یاد مبر» منظور شاعر از «چراغدان» چه افرادی هستند؟

۲۳. با توجه به بیت «خروشید کای پایمردان دیو / بریده دل از ترس کیهان خدیو» به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

الف) منظور از پایمردان دیو چه کسانی هستند؟ ب) منظور فردوسی از کیهان خدیو کیست؟

۲۴. در شعر زیر، «آفتاب» نماد چیست؟

گریه کنید اگر / که آفتاب را ندیده‌ای / ستاره‌ها را هم نمی‌بینی

۲۵. در مصراع «بیا با گل لاله بیعت کنیم» از غزل فصل عاشقی، منظور شاعر از «لاله» چیست؟

۲۶. با توجه به بند «هنگامی که در فروتنی بزرگ باشیم، بیش از همه به آن بزرگ نزدیک شدیه‌ایم» به پرسش‌ها پاسخ دهید.

الف) منظور کلی بند چیست؟ ب) منظور از «آن بزرگ» کیست؟

۲۷. عبارت: «این تنها، خصوصیت سعدی است که سخنش به سخن همه شبیه باشد و به هیچ کس شبیه نباشد» بیانگر کدام ویژگی سبک سخن سعدی است؟

۲۸. معنی و مفهوم عبارت‌ها و اشعار زیر را بنویسید.

الف) عشق حالی دو اسبه می‌آمد.

ب) صیّاد گرازان به تک ایستاد.

پ) امروز درست‌م و در این دو سه روز بار داده آید.

ت) پدرم در لاتی کار شاهان را می‌کرد.

ث) هر روز خنیده نام تر گشت.

ج) ز بیم سپهد همه راستان / بدان کار گشتند هم داستان

چ) روح را خاک نتواند مبدّل به غبارش سازد.

پاسخنامه:

۱. الف) انبوه، پُر شاخ و برگ ب) سرکوفت، سرزنش، ملامت پ) زیبایی، جمال (ت) ترس
۲. معونت - جملگی - چشم - اتباع
۳. الف) صواب ب) بی‌شائبه پ) اهتزاز ت) مهملی
۴. الف) کعبه: نهاد ب) ناتانائیل: منادا سخن: مفعول
۵. خواجه: شاخص شیرازی: صفت ادبیات: مضاف‌الیه
۶. الف) تو: معطوف ب) شاعر شیرازی: بدل
۷. الف) درست ب) درست
۸. او خندان از راه رسید.
۹. الف) سپر: با حفظ معنای قدیم، معنای جدید یافته است.
- ب) شوخ: تغییر معنا یافته است.
۱۰. فاعلی: خریدار - مطلق: خوب
۱۱. الف) جناس همسان: خویش و خویش ب) کنایه: سر به گریبان فرو بردن
- پ) حسن تعلیل: داغ و سیاهی لاله از دود چراغ است. ت) پارادوکس: زخم، مرهم است.
۱۲. حس‌آمیزی: ترانه‌های شیرین یا بهانه‌های زرین
- استعاره: مه
۱۳. مشبه: امواج لرزان مشبه‌به: سیماب
۱۴. قهرمانی
۱۵. چهارپاره یا دوبیتی‌های پیوسته
۱۶. ب) گوته
۱۷. الف) جبران خلیل جبران ب) مجید واعظی
۱۸. به چشمان من کیمیا خاک توست
۱۹. دفاع از وطن کیش فرزاندگی است گذشتن ز جان رسم مردانگی است
۲۰. درک و دریافتم بیشتر می‌شد. یا دانش ادبی من گسترش می‌یافت.
۲۱. در شرایط سخت و در تنگناها باید نخست به یاران و زیردستان توجه کرد. حس مسئولیت در قبال دوستان و زیردستان یا هر مفهوم متناسب دیگر
۲۲. افرادی که محبت و تلاش آن‌ها مستقیماً به چشم نمی‌آید. محبتشان آشکار نیست.

۲۳. الف) حامیان ضحاک (ب) خداوند

۲۴. نعمت‌ها و فرصت‌های از دست رفته

۲۵. شهیدان

۲۶. الف) فروتنی و تواضع موجب رشد و تعالی انسان می‌شود. (ب) خداوند

۲۷. سهل ممتنع

۲۸. الف) عشق در آن حال، شتابان می‌آمد.

(ب) صیاد جلوه‌کنان (شادی‌کنان) شروع به دویدن کرد.

(پ) امروز حالم خوب است و در این دو سه روز آینده اجازه حضور داده می‌شود.

(ت) پدرم در عین فقر و نداری، مانند شاهان رفتار می‌کرد.

(ث) روز به روز مشهورتر شد.

(ج) از ترس ضحاک، همه آن انسان‌های خوب و درستکار، در انجام آن کار (امضای استشهادنامه) هم‌نظر شدند.

(چ) دنیای مادی نمی‌تواند روح انسان را نابود کند.



نمونه سؤالات

ردیف	سؤالات	بارم
قلمرو زبانی (۷ نمره)		
۱	با توجه به اشعار و عبارات زیر، معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید. الف) عده‌ای از روی علاقه و جمعی برای ریشخند می‌آمدند. ب) هم‌آنکه یکایک ز درگاه شاه برآمد خروشیدن دادخواه	۵/۰
۲	با کدام شیوه از شیوه‌های چهارگانه روابط معنایی کلمات می‌توان به معنای واژه «دستوری» در بیت زیر پی برد؟ «بر مصطفی بهر رخصت دوید از او خواست دستوری اما ندید»	۲۵/۰
۳	عبارت «ماده‌ای فرضی که به گمان پیشینیان، فلزاتی مانند مس و قلع را به طلا و نقره تبدیل می‌کند.» در توضیح کدام واژه آمده است؟ الف) کیمیا ب) سیماب پ) سیمینه ت) سیمیا	۲۵/۰

۴	کدام یک از واژه‌های سروده زیر، مترادف واژه «رشحه» است؟ «از شبنم عشق، خاک آدم گِل شد صد فتنه و شور در جهان حاصل شد سر نشتر عشق بر رگ روح زدند یک قطره فرو چکید و نامش دل شد»	۰/۲۵
۵	در هر یک از موارد زیر، املاي درست را از داخل کمانک برگزینید. الف) به حشرم بده نامه در دست راست / ز (هولم - حولم) در آن روز بی‌باک کن ب) چو (غلطید - غلتید) در خاک آن زنده فیل / بزد بوسه بر دست او، جبرئیل	۰/۵
۶	در متن زیر، واژه‌ای را که املاي آن <u>نادرست</u> است، بیابید و شکل درست آن را بنویسید. «آذرباد یک مرغ عادی نبود که از تمرین سر بخورد. بیشتر مرغان دریایی نمی‌خواستند بیش از آنچه راجع به پرواز می‌دانستند، بیاموزند.»	۰/۵
۷	در گروه کلمات زیر، سه <u>نادرستی</u> املاي وجود دارد؛ شکل درست هر یک را بنویسید. «حمیت و غیرت - سور و جشن - سفیر و بانگ - بالهداه و بدون اندیشه قبلی - مصرت و شادی - صیادت و سروری - تپانچه و اسلحه کمری - ترجیح و برتری»	۰/۷۵
۸	در متن زیر، کدام واژه، «هم‌آوا» دارد؟ «گفت: مرا بدین ملامت نباید کرد که چون ایشان حقوق مرا به طاعت و مناصحت بگزاردند و به مظاهرت ایشان از دست صیاد بجستم، مرا نیز از عهده لوازم ریاست بیرون باید آمد.»	۰/۲۵
۹	در بیت «که ناگاه عمرو آن سپهر نبرد / برانگیخت آبرش برافشاند گرد»، الف) کدام یک از انواع «نقش تبعی» یافت می‌شود؟ ب) نوع وابسته پسین را در گروه اسمی «آن سپهر نبرد» تعیین کنید. ج) کدام واژه‌ها، «نقش دستوری» یکسانی دارند؟	۰/۷۵
۱۰	در بیت «یکی محضر اکنون نباید نوشت / که جز تخم نیکی، سپهد نکشت»، واژه «محضر»، در گذر زمان، مشمول کدام یک از وضعیت‌های چهارگانه شده است؟	۰/۲۵

۱	با توجه به متن زیر، «درستی یا نادرستی» گزاره‌های داده شده را تعیین کنید. «تا وقتی که معلّم سخن نگفته بود، کلاس آرام بود و بچه‌ها به تخته سیاه چشم دوخته بودند. وقتی صدای آقا معلّم را شنیدند؛ شاگران کلاس روی برگردانیدند که از واقعه باخبر شوند. صدای خنده آنان کلاس و مدرسه را تکان داد. این کار بیشتر معلّم را عصبانی کرد. برای او توهم شد که همه کارها را برای مسخره کردنش راه انداخته‌ام.» الف) واژه‌های «آرام، باخبر، تکان، عصبانی»، نقش دستوری یکسانی دارند. ☐ درست ☐ نادرست ب) هر دو نوع نقش «شاخص» و «معطوف» در متن یافت می‌شود. ☐ درست ☐ نادرست ج) در سطر اوّل، هر دو نوع پیوند «وابسته ساز» و «هم‌پایه ساز» وجود دارد. ☐ درست ☐ نادرست د) زمان همه فعل‌ها در سطر دوم، «ماضی مطلق» است. ☐ درست ☐ نادرست	۱۱
۰/۲۵	نقش دستوری «ضمیر متصل» در کدام مصراع با بقیّه متفاوت است؟ الف) به خاک درت گیر نیارم سجود ب) مکافات آن بر سرم خاک کن ج) دلم را بده عزم بر بندگی د) نه چون بی غمانم هوسناک کن	۱۲
۱/۵	طبق متن زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید. «مردمی که به خانه‌های تاریک عادت کرده‌اند، از پنجره‌های باز و نورگیر، گریزان هستند؛ آخر چشمشان را می‌زند و خسته‌شان می‌کند. جنگ با افکار پوسیده، دشوارتر از جنگ روی در روی جبهه‌هاست. لازمه حضور و مبارزه در هر دو جبهه، عشق است. با این تفاوت که در جبهه بیرون، شجاعت کارسازتر است و در این یک، درایت.» الف) شکل مجهول فعل «می‌زند» را بنویسید. ب) در متن، جمله «آخر چشمشان را می‌زند»، جمله «هسته» است یا «وابسته»؟ ج) «نوع حذف فعل» را در متن بنویسید. د) نقش دستوری واژه‌های «آخر» و «خسته» را، به ترتیب بنویسید. ه) یک «ترکیب اضافی» در سطر دوم متن بیابید.	۱۳

۱۴	شیوه بیان در جملات کدام بیت، «تماماً» عادی است؟ (الف) به روز مرگ چو تابوت من روان باشد / گمان مبر که مرا درد این جهان باشد (ب) حکم جلودار است بر هامون بتازید / هامون اگر دریا شود از خون بتازید (ج) زره لخت لخت و قبا چاک چاک / سر و روی مردان پر از گرد و خاک (د) درفشان لاله در وی چون چراغی / ولیک از دود او بر جانش داغی	۰/۲۵
قلمرو ادبی (۵ نمره)		
۱۵	هریک از ابیات زیر را به درستی کامل کنید. (الف) پنهان ز دیده‌ها و همه دیده‌ها از اوست (ب) آن کبوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد	۱
۱۶	کدام واژه‌ها در سروده زیر، دربردارنده نام یکی از آثار «وحشی بافقی» است؟ «ای مایه درمان نفسی ننشینی / تا صورت حال دردمندان بینی گر من به تو فرهاد صفت شیفته‌ام / عیبم مکن ای جان که تو بس شیرینی»	۰/۲۵
۱۷	کدام اثر از «ترجمه‌های سودابه پرتوی» است؟ «دیوان شرقی - غربی»، «پیامبر و دیوانه»، «پرنده‌ای به نام آذرباد»، «شلوارهای وصله‌دار»	۰/۲۵
۱۸	جاهای خالی عبارت زیر را به شکلی درست، پُر کنید. بند زیر برگرفته از کتاب، شامل مجموعه‌ای از اشعار است. «ممکن / از ناممکن می‌پرسد: / «خانه‌ات کجاست؟» / پاسخ می‌آید: / «در رؤیای یک ناتوان»	۰/۵
۱۹	بخش مشخص شده در نوشته زیر، بیانگر کدام آرایه ادبی است؟ «شب به شدت سرد بود، دل روح الله به حدت گرم - که آتشی که نمیرد، همیشه در دل او بود»	۰/۲۵
۲۰	در بیت زیر، معنای مجازی واژه «بازارگاه» چیست؟ «چو کاوه برون شد ز درگاه شاه / بر او انجمن گشت بازارگاه»	۰/۲۵
۲۱	مفهوم نمادین واژه «شعله» را در سروده زیر بنویسید. «از شعله / به خاطر روشنایی‌اش سپاسگزاری کن، / اما چراغدان را هم / که همیشه صبورانه در سایه می‌ایستد، / از یاد مبر.»	۰/۲۵

۲۲	با توجه به رباعی زیر، به پرسش‌های داده شده، پاسخ دهید. «از چنبر نفس رسته بودند آنها / بت‌ها همه را شکسته بودند آنها پرواز شدند و پر گشودند به عرش / هر چند که دست بسته بودند آنها» الف) ترکیب «چنبر نفس»، اضافه «تشبیهی» است یا «استعاری»؟ ب) مفهوم کنایی «بت شکستن» چیست؟ ج) «پرواز» با کدام واژه، ارتباطی مبتنی بر تشبیه دارد؟	۰/۷۵										
۲۳	«مشبه‌به» را در سروده زیر، مشخص کنید. «اوست که عادل مطلق است، / و خوان عدل خود را بر همگان گسترده / باشد که از میان اسمای صدگانه‌اش، / او را به همین نام بستانیم، / آمین!»	۰/۲۵										
۲۴	کدام یک از واژه‌های مشخص شده در متن زیر، «مشبه» نیست؟ «آسمان با هفت دست گرم و پنهانی دف می‌زد و رنگین‌کمانی از شوق و شور، کلاف ابرهای تیره را از هم باز می‌کرد. خورشید بر بام روشن جهان ایستاده بود.»	۰/۲۵										
۲۵	آرایه مناسب با هر بیت را برگزیده، در برابر آن بنویسید. (یک آرایه، اضافه است)	۰/۷۵										
<table><tr><td>بیت</td><td>آرایه</td></tr><tr><td>الف) بدو گفت مهتر به روی دژم / که برگوی تا از که دیدی ستم؟</td><td>اغراق</td></tr><tr><td>ب) ز رخسارش فرو می‌ریخت اشکی / بنای زندگی بر آب می‌دید</td><td>حسن تعلیل</td></tr><tr><td>ج) میان موج می‌رقصید در آب / به رقص مرگ اخترهای انبود</td><td>حس آمیزی</td></tr><tr><td></td><td>ایهام</td></tr></table>		بیت	آرایه	الف) بدو گفت مهتر به روی دژم / که برگوی تا از که دیدی ستم؟	اغراق	ب) ز رخسارش فرو می‌ریخت اشکی / بنای زندگی بر آب می‌دید	حسن تعلیل	ج) میان موج می‌رقصید در آب / به رقص مرگ اخترهای انبود	حس آمیزی		ایهام	
بیت	آرایه											
الف) بدو گفت مهتر به روی دژم / که برگوی تا از که دیدی ستم؟	اغراق											
ب) ز رخسارش فرو می‌ریخت اشکی / بنای زندگی بر آب می‌دید	حسن تعلیل											
ج) میان موج می‌رقصید در آب / به رقص مرگ اخترهای انبود	حس آمیزی											
	ایهام											
۲۶	بیت «همی برخوشید و فریاد خواند / جهان را سراسر، سوی داد خواند»، نمایانگر کدام یک از زمینه‌های حماسه است؟	۰/۲۵										
قلمرو فکری (۸ نمره)												
۲۷	مراد از «سراچه ذهنم آماس می‌کرد» در عبارت «حکایت‌ها را می‌شنیدم و می‌خواندم و عکس‌ها را می‌دیدم، لبریز می‌شدم. سراچه ذهنم آماس می‌کرد.» چیست؟	۰/۲۵										
۲۸	بیت «هنر خوار شد، جادویی ارجمند / نهان راستی، آشکارا گزند»، چه دورانی را به تصویر می‌کشد؟	۰/۲۵										
۲۹	در بیت زیر، کاوه از چرمی به عنوان پرچم استفاده می‌کند، که آهنگران با آن کجای پا را می‌پوشاندند؟ «از آن چرم، کاهنگران پشت پای / بیوشند هنگام زخم درای»	۰/۲۵										

۳۰	گزینهٔ درست را انتخاب کنید. وقتی «فریدون» بر «ضحاک» غلبه می‌کند، (الف) بزد بر سرش، ترگ بشکست خُرد (ب) به کوه دماوند کردش به بند (ج) به اسپ اندر آمد به ایوان شاه (د) سر و گوش و پایش به پیکان بدوخت	۰/۲۵
۳۱	نویسنده در عبارت «می‌توانست نگاهِ این یکی را در چلّهٔ کمان بنشانند و به سوی دشمن پرتاب کند.»، به شخصیت چه کسی اشاره می‌کند؟	۰/۲۵
۳۲	«عمرو بن عبدود» نخست از جنگ با حضرت علی امتناع می‌کند؛ به این بهانه که: (الف) جوانی و از عمر ناخورده بر (ب) خصومت کسی را ز ما با تو نیست (ج) نخواهم شوی کشته بر دست من (د) تو هم رحم کن بر تن خویشان	۰/۲۵
۳۳	در بیت «ولی چندان که برگ از شاخه می‌ریخت / دو چندان می‌شکفت و برگ می‌کرد»، به چه نکته‌ای اشاره شده است؟	۰/۲۵
۳۴	مقصود از «خواجه عمید» در عبارت «زندگانی خواجه عمید دراز باد؛ علی آیی حال، من نیز فرزند این پدرم که این سخن گفت و علم از وی آموختمام...»، کیست؟	۰/۲۵
۳۵	بیت «فرمان رسید این خانه از دشمن بگیرید / تخت و نگین از دست اهریمن بگیرید»، یادآور کدام موضوع مشهور است؟	۰/۵
۳۶	مفهوم مشترک دو بیت زیر را بنویسید. (الف) فلک باخت از سهم آن جنگ رنگ / بود سهمگین جنگ شیر و پلنگ (ب) چنین آن دو ماهر در آداب حرب / ز هم رد نمودند هفتاد حرب	۰/۵
۳۷	سرودهٔ «و تو شکر خدا کن به هنگام رنج / و شکر او کن به وقت رستن از رنج»، بیانگر چه دیدگاهی است؟	۰/۵
۳۸	با توجه به متن زیر، «جبران خلیل جبران»، کیفیت کار را نتیجهٔ چه چیزی می‌داند؟ «آن که با میلی، خمیری در تنور نهد، نان تلخی و استاند که انسان را تنها نیمه سیر کند.»	۰/۵
۳۹	معنی اشعار و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید. (الف) بگذار بر پشت زین خود معتبر بمانم / تو در کلبه و خیمهٔ خود بمان (ب) پدرم دریادل بود؛ در لاتی کار شاهان را می‌کرد. (ج) جال باز کشید و حبهٔ بینداخت. (د) این صِلَت فخر است پذیرفتم و باز دادم که مرا به کار نیست. (ه) بدرید و بسپرد محضر به پای (و) چو ننمود رخ شاهد آرزو / به هم حمله کردند باز از دو سو (ز) شقایق بر یکی پای ایستاده / چو بر شاخ زمرّد جام باده (ح) از عکس ریاحین او، پر زاغ چون دُم طاووس نمودی.	۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵

ردیف	سؤالات	بارم
قلمرو زبانی (۷ نمره)		
۱	معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید. الف) جز تو که فرات <u>رشحه‌ای</u> از یم توسست. ب) الطاف <u>الوهیت</u> و حکمت ربوبیت به سرّ ملائکه فرو می‌گفت. پ) و وی با <u>دهای</u> تمام سخن خود را به مطوّقه گفت.	۰/۷۵
۲	معنی واژه مشخص شده در مصراع «باید زدن داستان، <u>آوری</u> » را در نمونه زیر مشخص کنید. با دو پر بر می‌پرد چون جبرئیل / بی‌گمان و بی‌مگر، بی‌قیل و قال	۰/۲۵
۳	املاي درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) و به یقین (احمال – اهمال) جانب من جایز نشمری. ب) در (قضا – غزا) بر پهلوانی دست یافت.	۰/۵
۴	اگر نادرستی املايي در نمونه‌ای وجود دارد، آن را مشخص و درست کنید. الف) حیرت زده گچ را انداخت و غریب به یک دقیقه بر و بر به من نگاه کرد. ب) در نهایت همه کارهایم را حمل بر محملی و ولنگاری‌ام کردند. پ) قلا کردم و با جرئت عینک آن پیرزن کذا را بر ریخت مضحکم گذاشتم.	۰/۵
۵	متضاد معنایی واژه مشخص شده در عبارت «و حال در این راه صواب آن است که سلطان مسعود فرمودند» را در یکی از نمونه‌های زیر پیدا کنید و بنویسید. الف) گفت شه، پوشید حق پاداش بد ب) بر آثار لطیف تو، غلط گشتند الفت‌ها پ) گناهت را کند تسبیح و طاعات ت) شناسد او همه را و سزا دهد به سزا	۰/۵
۶	در گروه‌های زیر، دو اشتباه املايي وجود دارد، آن‌ها را بنویسید. فراق و آسودگی – هول و هراس – نهیب و صغیر گلوله – غُرب و همجواری	۰/۵
۷	نقش ضمیرهای نمونه‌های زیر را بنویسید. الف) ز کار جهان‌ت دهد آگهی ب) بیامد به درگاه سالار نو / بدیدندش آن‌جا و برخاست غو	۰/۵

۵/۰	۸ با توجه به واژه «ماه» کدام یک از رابطه‌های واژگانی در نمونه‌های زیر به کار رفته است؟ (روابط متفاوت باشد). الف) ای رشک ماه و مشتری با ما و پنهان چون پری ب) جسته از سنگ ستاره ز قمر، مه روتر
۱/۲۵	۹ با توجه به نمونه زیر پاسخ دهید. «بیداری زمان را با من بخوان به فریاد / و مرد خواب و خفتی / رو سر بنه به بالین، تنها مرا رها کن» الف) در جمله اول چه نقش دستوری‌ای و به چه قرینه‌ای حذف شده است؟ ب) جمله پایه را بنویسید. پ) به ترتیب یک حرف ربط وابسته‌ساز و یک حرف ربط هم‌پایه‌ساز بنویسید. ت) آیا در این نمونه نقش تبعی وجود دارد؟
۵/۰	۱۰ با توجه به متن زیر پاسخ دهید. بونصر سجده شکر کرد خدای را بر سلامت امیر. من سعادت دیدار همایون خداوند یافتم و چون نامه نبشته آمد، به توقیع امیر مؤکد گشت؛ و من این حال‌ها را با بونصر باز گفتم. الف) جمله‌ای را که به شیوه بلاغی به کار رفته به شیوه عادی بنویسید. ب) واژه «توقیع» دچار کدام وضعیت در گذر زمان شده است؟ پ) جمله مجهول را در نمونه بالا بیابید و به معلوم برگردانید.
۱	۱۱ با توجه به بیت «نباشم بدین محضر اندر گوا / نه هرگز براندیشم از پادشا» پاسخ دهید. الف) ویژگی سبکی بارز در این بیت کدام است؟ ب) شاعر در بیت از حروف هم‌پایه‌ساز بهره برده است یا وابسته‌ساز؟ پ) «براندیشیدن» در این بیت – از جهت معنا – مترادف با چه مصدری است؟ وضعیت گذر / ناگذر آن را بررسی کنید.
قلمرو ادبی (۵ نمره)	
۱	۱۲ هر یک از آرایه‌های «حسن تعلیل، متناقض‌نما، جناس همسان و مجاز» در کدام نمونه به کار رفته است؟ (به‌طور دقیق مشخص کنید) [یک مورد اضافی است] الف) صبح بی تو رنگ بعد از ظهر یک آدینه دارد / بی تو حتی مهربانی حالتی از کینه دارد.

	(ب) روح را خاک نتواند مبدل به غبارش سازد / زیرا هر دم در تلاش است تا که فرا رود. (پ) رود ذره‌ای گر ز خاکت به باد / به خون من آن ذره آغشته باد (ت) دوستان را به گاه سود و زیان / بتوان دید و آزمود توان (ث) ای کعبه به داغ ماتمت نیلی پوش / وز تشنگی‌ات فرات در جوش و خروش	
۱۳	در هر یک از نمونه‌های زیر کدام‌یک از آرایه‌های داخل کمانک به کار <u>نرفته</u> است؟ (به طور دقیق مشخص کنید) الف) از چنبر نفس رسته بودند آن‌ها / بت‌ها همه را شکسته بودند آن‌ها (تشبیه، استعاره، حسن تعلیل) ب) فلک باخت از سهم آن جنگ رنگ / بود سهمگین جنگ شیر و پلنگ (نماد، استعاره، ایهام تناسب) پ) چو آتش در سپاه دشمن افتاد / از آتش هم کمی سوزنده‌تر شد (کنایه، اسلوب معادله، تشبیه)	۰/۷۵
۱۴	کنایه قسمت مشخص شده را بنویسید. بگذار بر پشت زین خود معتبر بمانم / <u>تو در کلبه و خیمه خود باز بمان</u>	۰/۷۵
۱۵	در جمله «معلم عربی، همچون پلنگ به سمت من که انتهای کلاس نشسته بودم غرّش کرد.» شاعر چگونه از تشبیه برای خلق کنایه استفاده کرده است؟	۰/۵
۱۶	درستی و نادرستی عبارتهای زیر را مشخص کنید. الف) «روضه خلد» اثر محمد عوفی و «چشمه روشن» اثر غلامحسین یوسفی است. (درست – نادرست) ب) «ماه نو و مرغان آواره» از گوته و «دیوان غربی – شرقی» اثر تاگور است. (درست – نادرست)	۰/۵
۱۷	این سخن درباره کدام شاعر است و به کدام ویژگی سبکی و کلامی او اشاره دارد؟ «سخنش به سخن همه شبیه باشد و به هیچ کس شبیه نباشد؛ در زبان فارسی احدی نتوانسته است مانند او حرف بزند و در عین حال، نظیر حرف زدن او را هر روز در کوچه بازار می‌بینیم.» شاعر: ویژگی سبکی:	۰/۵
۱۸	بیت زیر را کامل کنید. ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌گشاید آن که در دستش دارد	۰/۲۵

۱۹	گزینه مناسب را برای تکمیل بیت انتخاب کنید. مرا اوج در افلاک توست (ذلت - عزت) به چشمان من کیمیا توست. (خاک - جان)	۵/۰
۲۰	تکمیل کننده مصراع «خواستم از رنجش دوری بگویم» کدام است؟ الف) خاک این ویرانه‌ها بویی از آن گنجینه دارد ب) آن کبوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد پ) عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد	۲۵/۰
۲۱	در بیت «ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد» دو واژه نمادین بیان کنید.	۵/۰
قلمرو فکری (۸ نمره)		
۲۲	موارد زیر را به نثر روان برگردانید. الف) اختلاف صیادان آنجا متواتر. ب) نیک کوفته شد و پای راست افکار شد. ج) شما در این آینه، نقش‌های بوقلمون بینید. د) چون او را در بند بلا بسته دید، زهاب دیدگان بگشاد. ه) مادرم شماتتم می‌کرد، می‌گفت: «به شتر افسار گسیخته می‌مانی.» و) روح را خاک نتواند مبدل به غبارش سازد، / زیرا هر دم به تلاش است تا که فرا رود ز) کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست. ح) همی رفت پیش اندرون مرد گرد / جهانی بر او انجمن شد، نه خُرد	۴
۲۳	در هر یک از موارد زیر مقصود از قسمت‌های خط کشیده شده چیست؟ الف) خروشید کای پایمردان دیو / بریده دل از ترس گیهان خدیو. ب) وادی پر از فرعونیان و قبطیان است / موسی جلودار است و نیل اندر میان است. ج) از شعله / به خاطر روشنایی‌اش / سپاسگزاری کن، / اما چراغدان را هم / که همیشه صبورانه در سایه می‌ایستد، / از یاد مبر	۱

۲۴	مفهوم مشترک دو بیت زیر چیست؟ الف) چه در کار و چه در کار آزمودن / نباید جز به خود، محتاج بودن ب) بخور تا توانی به بازوی خویش / که سعیت بود در ترازوی خویش	۱
۲۵	شاعر چه جایگاهی را برای انسان، در میان سایر مخلوقات عالم در نظر دارد؟ «آدمی / اما / خاموشی دریا / هیاهوی خاک و / موسیقی آسمان را در خود دارد.»	۰/۵
۲۶	کدام گزینه از پیام‌های عبارت زیر نیست؟ مطوّقه گفت: «چنان باید که همگنان استخلاص یاران را مهم‌تر از تخلص خود شناسند و باید جمله به طریق تعاون قوّتی کنید تا دام از جای برگیریم که رهایش ما در آن است.» کبوتران فرمان وی بکردند. الف) اتحاد ب) ایثار پ) تجربه‌اندوزی ت) اطاعت از رهبر	۰/۵
۲۷	در بند «گریه کنی اگر / که آفتاب را ندیده‌ای / ستاره‌ها را هم / نمی‌بینی» شاعر چه مفهوم عرفانی‌ای را در نظر دارد؟	۰/۵
۲۸	در قسمت «قلمرو ادبی» همین امتحان، بیتی متناسب با نمونه زیر بیابید و بنویسید. مگو سوخت جان من از فرط عشق / خموشی است هان! اولین شرط عشق	۰/۵

ردیف	سؤالات	بارم									
قلمرو زبانی (۷ نمره)											
۱	در هر یک از موارد زیر، برای واژگان داخل جدول، یک «معادل معنایی» بیابید و بنویسید. <table><tr><td></td><td>معنا</td><td>واژهٔ معادل</td></tr><tr><td>۱</td><td>باصفا</td><td></td></tr><tr><td>۲</td><td>نوعی عصا</td><td></td></tr></table> الف) در ناحیتِ کشمیر متصدی خوش و مرغزاری نزه بود. ب) عینک مثل تعلیمی و کراوات یک چیز فرنگی‌مابی بود.		معنا	واژهٔ معادل	۱	باصفا		۲	نوعی عصا		۵/۰
	معنا	واژهٔ معادل									
۱	باصفا										
۲	نوعی عصا										
۲	واژگان صحیح را انتخاب نمایید: الف) از (فرت – فرط) هیجان لکه می‌دویدم. ب) حالی (ثواب – صواب) آن باشد که جمله به طریق تعاون قوتی کنید. ج) چون ایشان حقوق مرا به طاعت و (مناصحت – مناسحت) بگزارند. د) حمل بر بی استعدادی و (مهملی – محملی) و وانگاری‌ام کردند. ه) بانگ از (جرس – جرس) برخاست. ز) و به معونت و (مظاهرت – مظاهرت) ایشان از دست صیاد بجستند. ح) ایشان حقوقِ مرا به طاعت و مناصحت (بگذارند – بگزارند).	۲									
۳	واژهٔ «خندان» در کدام گزینه، نقش «قید» دارد؟ الف) غنچه دلتنگ به باغ آمد و خندان برخاست ب) از بهشت افتاد بیرون آدم و خندان نشد ج) گریه‌ها در پرده دارد چهرهٔ خندان ما د) که گل خندان بود تا در میان خار و خس باشد	۵/۲۵									
۴	نقش‌های تَبَعی را در جملات زیر مشخص کنید. (بدل، معطوف) برای من قصه‌های شیرینی می‌گفت که او و مادرم، هر دو، آنها را از مادر بزرگشان به یاد داشتند.	۵/۵									

۵	با توجه به عبارت زیر به پرسش‌ها پاسخ مناسب بدهید. (الف) مادرم شماتتم می‌کردم. نقش دستوری «م» در شماتتم چیست؟ (ب) پایم به لیوان آبخوری یا بشقاب یا کوزه آب می‌خورد یا آب می‌ریخت یا ظرف می‌شکست	۱
۶	نوع یا در موارد مشخص شده بنویسید. (حرف ربط است یا عطف) در کدام گزینه نقش تبعی بدل وجود دارد؟ (الف) ما، بچه‌ها او را خیلی دوست می‌داشتیم. (ب) با کشته شدن آغامحمدخان فتحعلی شاه بر تخت نشست.	۵/۵
۷	حذف و نوع آن را در جمله زیر، مشخص کنید. آن یکی ممد حیات است / و این یکی مفرح ذات.	۵/۵
۸	به سؤالات زیر پاسخ مناسب بدهید. سر ایشان کبوتری بود که او را مطوقه گفتندی. (الف) نقش دستوری «مطوقه» چیست؟ (ب) «گفتندی» چه زمانی است؟ (ج) نوع «را» را مشخص کنید.	۱
۹	نوع صفت‌های بیانی را مشخص کنید. (فاعلی، لیاقت و نسبی) (الف) بینا: (ب) زرین: (ج) کودکانه:	۵/۷۵
قلمرو ادبی (۵ نمره)		
۱۰	در سروده زیر، بخش مشخص شده بیانگر کاربرد کدام آرایه ادبی است؟ بیداری زمان را با من بخوان به فریاد / و مرد خواب و خفتی، «رو سر بنه به بالین، تنها مرا رها کن»	۵/۵
۱۱	کدام یک از ویژگی‌های حماسه در بیت‌های زیر دیده می‌شود؟ آن‌ها را از کمانک‌های مقابل انتخاب کنید. (الف) بر آن گرزۀ گاوسر دست برد (ب) چو ضحاک بر تخت شد شهریار بزد بر سرش ترگ بشکست خرد (ملّی - قهرمانی) بر او سالیان انجمن شد هزار (خرق عادت - ملّی)	۵/۵

۱۲	در ابیات و جملات زیر، بخش مشخص شده بیانگر کاربرد کدام آرایه ادبی است؟ الف) پدرم دریادل بود در لاتی کار شاهان می کرد ب) با زمانی دیگر انداز ای که پندم می دهی / کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست ج) برای من قصه های شیرینی می گفت د) زری که سلطان محمود به غزو از بتخانه ها به شمشیر بیاورده باشد ...	۱
۱۳	در بیت زیر «مشبه» و «مشبه به» را مشخص کنید. درفشان لاله در وی، چون چراغی / ولیک از دود او بر جانش داغی «مشبه»: «مشبه به»:	۰/۵
۱۴	در بیت زیر «موسی» استعاره از کسیت؟ وادی پر از فرعونیان و قبطیان است موسی جلودار است نیل اندر میان است	۰/۵
۱۵	نام پدید آورندگان آثار زیر را بنویسید. الف) شلوارهای وصله دار: ب) ماه نو و مرغان آواره:	۱
۱۶	حفظ شعر: جاهای خالی را کامل کنید. الف) صبح بی تو رنگ بعد از ظهر یک آدینه دارد ب) کنم جان خود را فدای وطن	۱
قلمرو فکری (۸ نمره)		
۱۷	با توجه به ابیات زیر به سؤالات پاسخ دهید. ستم دیده را پیش او خواندند / بر نامدارانش بنشانند بدو گفت مهتر به روی دژم / که بر گوی تا از که دیدی ستم؟ الف) منظور از «ستم دیده» چه کسی است؟ ب) «روی دژم» بیانگر چه حالتی است؟	۰/۵
۱۸	معنی و مفهوم قسمت مشخص شده چیست؟ این مرد بزرگ و دبیر کافی، به نشاط، قلم در نهاد.	۰/۵

۱۹	شاعر در بیت زیر، قصد بیان چه نکته‌ای را دارد؟ در آن تاریک شب می‌گشت پنهان فروغ خرگه خوارزمشاهی	۰/۵
۲۰	بیت زیر، بیانگر چه دیدگاهی است؟ کدام دانه فرو رفت در زمین که نرُست؟ چرا به دانهٔ انسانیت این گُمان باشد؟	۰/۵
۲۱	محتوای بیت زیر چیست؟ کز عشق به غایت برسانم کاو ماند اگر چه من نمانم	۰/۵
۲۲	در عبارت‌های زیر، مقصود از قسمت مشخص شده چیست؟ الف) می‌ترسم که اگر از <u>گشادن عَقده‌های</u> من آغاز کنی، ملول شوی. ب) چون او را در بندِ بلا بسته دید، <u>زهاب دیدگان</u> بگشاد.	۱
معنی ابیات و جملات زیر را به نثر روان بنویسید.		
۲۳	امیر از آن جهان آمده به خیمه فرود آمد و جامه بگردانید	۱
۲۴	کبوتران اشارتِ او را امام ساختند و راه بتافتند.	۰/۵
۲۵	در وقتِ فراغِ موافقتِ اولی تر، و آلا طاعِنانِ مجالِ وقیعت یابند	۱
۲۶	عشق حالی دو اسبه می‌آمد	۰/۵
۲۷	وقت است تا برگ سفر بر باره بندیم	۰/۵
۲۸	مردمی که به خانه‌های تاریک و بی دریچه عادت کرده‌اند از پنجره‌های باز و نورگیر گریزان هستند.	۰/۵
۲۹	یکی محضر اکنون ببايد نوشت که جز تخم نیکی سپهبد نکشت	۰/۵

ردیف	سؤالات	بارم
قلمرو زبانی (۷ نمره)		
۱	معنی واژگان صحیح را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) حق تعالی – عزرائیل را بفرمود: «برو اگر به طوع و رغبت نباید به اکراه و اجبار برگیر و بیاوور» (اطاعت – کراهت) ب) تو شاهی و گر از دهاپیکری / ببايد زدن داستان آوری (به طور قطع – احتمالاً)	۵/۰
۲	کدام واژه داخل کمانک از نظر املايي درست است؟ الف) عزیزترین رفقای من که حُسن سیرت را با (صياحت – سياحت) توأم داشت، لبخندی زده، گفت من می خواهم با مایه اندک، بازرگانی را پیش گیرم. ب) من قلا کردم و روزی که پیرزن نبود، رفتم سر بچه اش. ج) کشتی گیری بود که در زور آزمایی شهره بود. پدر در میدان (هلالی – حلالی) بود و رستم به دستان او زاقی.	۷۵/۰
۳	در عبارت «من می ترسم که اگر از گشادن عقده های من آغاز کنی ملول شوی و بعضی از ایشان در بند بمانند و چون بسته باشم – اگر چه ملالت به کمال رسیده باشد – <u>اهمال</u> جانب من جایز نشمری» واژه مشخص شده در کدام معنی نیامده است؟ الف) کوتاهی کردن ب) سهل انگاری کردن ج) آزرده کردن د) کم کاری کردن	۲۵/۰
۴	کدام یک از واژگان مقابل <u>نمی تواند</u> معادلی معنایی واژه مشخص شده باشد؟ (اندرونی، اتاق مخصوص خدمتگزاران، اتاق تشریفات) «بونصر نامه های رسیده را به خط خویش، مکث بیرون می آورد و چیزی که در او کراهیتی نبود، می فرستاد <u>فرو</u> د سرای»	۲۵/۰
۵	در کدام یک از عبارات زیر غلط املايي دیده می شود؟ آن را اصلاح کنید. الف) ناگاه آن دیدند که چون آب نیرو کرده بود و کشتی پر شده، نشستن و دریدن گرفت. آن گاه آگاه شدند که غرقه خواست شد. بانگ و هزاهز و غریو خاست، امیر برخاست. ب) و چون ایشان حقوق مرا به طاعت و مناصحت بگزاردند و به معونت و مظاهرت ایشان از دست صیاد بجستم، مرا نیز از عهده لوازم ریاست بیرون باید آمد و مواجب صیادت را به ادا رسانید.	۷۵/۰

۶	در کدام یک از گزینه‌های زیر غلط املائی دیده نمی‌شود؟ (الف) از آن‌ها که خورشید فریادشان / دمید از گلوی سحرزاده شان (ب) بزن زخم، این مرحم عاشق است / که بی زخم مردن غم عاشق است (ج) حلا منکر جان و جانان ما / بزن زخم انکار بر جان ما (د) چه جانانه چرخ جنون می‌زنند / دف عشق با دست خون می‌زنند	۰/۲۵
۷	کدام بیت به لحاظ املائی درست است؟ (الف) سیر بر سر آورده شیر اله / علم کرد شمشیر آن ازدها (ب) بیفشرد چون کوه پا بر زمین / بخوایید دندان به دندان کین	۰/۲۵
۸	با توجه به ابیات زیر، به سؤالات پاسخ دهید. به روز مرگ، چو تابوت من روان باشد / گمان مبر که مرا درد این جهان باشد برای من مگوی و مگوی دریغ دریغ / به دام دیو درافتی، دریغ آن باشد (الف) در بیت اول چند متمم وجود دارد؟ (ب) یک حرف ربط وابسته‌ساز مشخص کنید (ج) کدام واژه در بیت دوم، نقش تبعی دارد؟ (د) «مسند» در جمله آخر، صفت اشاره است. درست نادرست	۱
۹	در بیت «دریاب که مبتلای عشقم / آزاد کن از بلای عشقم» (الف) نقش دستوری «م» در مصراع دوم است. (ب) جمله هسته (پایه) را مشخص کنید.	
۱۰	وضعیت کدام دو واژه در گذر زمان یکسان است؟ (الف) (سوفار – سوگند) (ب) (کثیف – فتراک) (ج) (سپر – رکاب)	
۱۱	نوع حذف، در کدام عبارت متفاوت است؟ (الف) درفشان لاله در وی چون چراغی (ب) نهان راستی، آشکارا گزند (ج) شیران غریدند و به اتفاق، آهو را از دام رهانید	
۱۲	در بیت «پوید کاین مهتر اهرمن است / جهان آفرین را به دل دشمن است» (الف) نوع وابسته پیشین در جمله دوم را بنویسید. (ب) نقش واژه مشخص شده را بنویسید.	

۱۳	در عبارت «با کشته شدن آغامحمدخان، فتحعلی شاه بر تخت نشست، شاهزاده نوجوان، میرزا عیسی قائم مقام را نه تنها وزیر خردمند، بلکه مرشد و پدر معنوی خود دانست و بی اذن و خواست او دست به کاری نمی زد» الف) مرجع ضمیر «او» در جمله آخر، کدام واژه است؟ ب) یک وابسته پیشین در جمله دوم پیدا کرده و نوع آن را بنویسید.
۱۴	قسمت های مشخص شده در عبارت «کبوتران را فرمود فرود آید، فرمان او نگاه داشتند و جمله بنشستند و آن موش را زیر نام بود، با دهای تمام و خرد بسیار» به ترتیب بیانگر کدام ویژگی های کبوتران و زبرا است؟ الف) کبوتران: (الف) ب) زبرا: (ب)
۱۵	مفهوم کنایی دو بیت زیر به کدام گزینه نزدیک تر است؟ ای کعبه به داغ ماتمت، نیلی پوش / وز تشنگی ات، فرات در جوش و خروش جز تو که فرات، رشحه ای از یم توست / دریا نشنیدم که کشد مشک به دوش الف) نیلی پوشی کعبه (الف) ب) مشک به دوش کشیدن دریا (ب) ج) سوگواری عمیق برای تشنگی خود خواسته (ج)
۱۶	در بیت «با جوانان چو دست بگشادی / پای گردون پیر بربستی» شاعر فردی را توصیف می کند که به لحاظ کدام جنبه، قوی است؟ الف) جسمی (الف) ب) روحی (ب)
۱۷	براساس مفهوم ابیات زیر، کدام دسته از افراد، مخاطب شاعر نیست؟ خروشید کای پایمردان دیو / بریده دل از ترس کیهان خدیو همه سوی دوزخ نهادید روی / سپردید دل ها به گفتار اوی الف) شورشیان درباری (الف) ب) افراد خدانترس (ب) ج) بازیگران اهریمن (ج)
۱۸	در عبارت «ننه - خدا حفظش کند - هر وقت برای من و برادرم لباس می خرید، ناله اش بلند بود. متلکی می گفت که دو برادری مثل علم یزید می مانید. می خواهید بروید آسمان، شورا بیاورید» کدام ویژگی مشترک نویسنده و برادرش توصیف شده است؟
۱۹	با توجه به درس «در کوی عاشقان» و غیبت شمس، مفهوم بیت: «گر او به وعده گوید که دمی دگر بیابم، همه وعده مگر باشد، بفرید او شما را» در ارتباط با شخصیتی فریبکار است یا معشوقی دست نیافتنی؟

۲۰	معنی ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید. الف) خداوند این سخت، نیکو کرد و شنوده‌ام که ابوالحسن و پسرش وقت باشد که به ده درم درمانده‌اند. ب) میان موج می‌رقصید در آب به رقص مرگ اخترهای انبوه ج) نعره‌های درهم شترهای حامل زنبورک، با آهنگ شیپورها در هم می‌آمیخت. د) چون به دل رسیده دل را بر مثال کوشکی یافت. ه) یعنی کلیم آهنگ جان سامری کرد! ای یاوران باید ولی را یآوری کرد. ز) در هنگام بلا شرکت بوده، در وقت فراغ موافقت اولی‌تر. ج) کدام دانه در زمین فرو رفت که نرسد / چرا به دانه انسانیت این گمان باشد
۲۱	معنای واژگان مشخص شده را بنویسید. الف) ابلیس پرتلبیس یک باری گرد او طواف می‌کرد. ب) فلک باخت از سهم آن جنگ رنگ. پ) و الا طاعنان مجال وقیعت یابند. ت) مادرم شما تتم می‌کرد.
۲۲	لغت صحیح داخل کمانک را انتخاب کنید. ز هم رد نمودند هفتاد (حرب - هرب)
۲۳	در متن زیر یک غلط املائی وجود دارد، صحیح آن را در پاسخ‌برگ بنویسید. «چون ایشان حقوق مرا ب طاعت و مناصحت بگذارند و به معونت و مظاهرت ایشان از دست صیاد بجستم، مرا نیز از عهده لوازم ریاست بیرون باید آمد»
۲۴	در میان گروه کلمه‌های زیر چهار غلط املائی وجود دارد، درست آن‌ها را بنویسید. «مهد و مهمل - شائبه و گمان - دها و هوش - هزاهز و غریو - چاره‌گری و مصلحت‌اندیشی - مذلت و خواری - غو و غریو - الحاح و اسرار - یقور و ستبر - ثواب و درست - هول و هراس - ورطه و مهلکه»
۲۵	در کدام گزینه غلط املائی دیده می‌شود؟ ۱) مات و مبهوت - رأفت و شفقت - رشحه و قطره ۲) قوت و غذا - مسحور و مفتون - نهیب و هیبت ۳) ضیعت و زمین - فارغ و آسوده - حمیت و غیرت ۴) صیاحت و زیبایی - مرحم و دارو - فایق و برگزیده

۲۶	صحیح یا غلط بودن جمله «در گروه کلمه‌های زیر یک غلط املایی دیده می‌شود» را مشخص کنید. سدّ خار و خاره – خدمت‌گزار صدیق – تعزیه و مرثیه – قانون‌گذار سیاست‌گذار – موسم حج‌گزاری ص □ غ □						
۲۷	نوع واژه کدام‌یک از گزینه‌های زیر با دیگر گزینه‌ها مطابقت ندارد؟ (۱) رفتار (۲) کردار (۳) گفتار (۴) گرفتار						
۲۸	رابطه معنایی کلمات زیر را بنویسید. الف) ماه و ستاره (ب) سال و ماه						
۲۹	نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید. ای کعبه به داغ ماتمت نیلی پوش وز تشنگی‌ات فرات در جوش و خروش						
۳۰	جدول زیر را کامل کنید. <table><tr><td>صفت فاعلی</td><td>صفت لیاقت</td><td>فعل</td></tr><tr><td></td><td></td><td>دارد می‌نویسد</td></tr></table>	صفت فاعلی	صفت لیاقت	فعل			دارد می‌نویسد
صفت فاعلی	صفت لیاقت	فعل					
		دارد می‌نویسد					
۳۱	درست یا نادرست بودن جمله‌های زیر را مشخص کنید. الف) فعل «نتواند» در جمله «روح را خاک نتواند مبدّل به غبارش سازد» مضارع اخباری است. درست □ نادرست □ ب) در عبارت «در داستان‌های حماسی ایران چهره انقلابی کاوه بی‌نظیر است و پیش‌بند چرمین او که بر نیزه کرد و مردم را به اتحاد فراخواند، درفش‌ی بود انقلابی» ۴ ترکیب وصفی و ۳ ترکیب اضافی وجود دارد. درست □ نادرست □						
۳۲	معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید. الف) رفیقی که <u>عندلیب</u> ما محسوب می‌شد. (ب) بماند تا ابد در <u>تیره رای</u> . پ) <u>مناسک</u> حج را به پایان برد.						

باسمه تعالی			
سوالات آزمون نهایی درس: فارسی ۲		پایه: یازدهم	رشته: کلیه رشته‌ها
تعداد صفحه: ۴	مدت آزمون: ۱۰۰ دقیقه	ساعت شروع: ۷:۳۰ به وقت تهران	نام و نام خانوادگی:
دانش آموزان روزانه، بزرگسالان، آموزش از راه دور، ایثارگران، داوطلبان آزاد و متقاضیان ایجاد و یا ترمیم سابقه تحصیلی		مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش	
(داخل و خارج از کشور) - خرداد ۱۴۰۴		Azmoon.medu.ir	
ردیف	سوالات (پاسخ‌برگ دارد)		
	نمره		

قلمرو زبانی (۷ نمره)	
۱	معنی واژهٔ مشخص‌شده را بنویسید. « به رود سند می‌غلتید بر هم ز امواج گران، کوه از پی کوه »
۲	با توجه به بیت « زاغی از آنجا که فراغی گزید رخت خود از باغ به راغی کشید » کدام واژه در عبارت زیر معادل معنایی واژهٔ مشخص‌شده است؟ شب پیشین برای شست و شوی صحرا و بوستان چابک‌دستی کرده، راه باغ را رفته و گونهٔ گل‌های بنفشه را درآفتابان ساخته بود.
۳	در ابیات زیر دو واژه بیابید که معنای مشترک دارند. دریادلان راه سفر در پیش دارند وقت است تا برگ سفر بر باره بندیم پا در رکاب راهوار خویش دارند دل بر عبور از سدّ خار و خاره بندیم
۴	کدام گزینه معادل معنایی واژهٔ مشخص‌شده نیست؟ «جمله به طریق تعاون قوتی کنید تا دام از جای برگیریم.» الف) مظاهرت ب) التفات ج) معونت د) پشتیبانی
۵	در عبارت زیر کدام کلمه ارزش املائی بیشتری دارد؟ « شما چه دانید که ما را با این مشتی خاک، چه کارها از ازل تا ابد در پیش است؟ »
۶	املائی درست واژه را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) دوست نداشتیم از بچه‌ها فاصله بگیرند یا احساس (ترد - طرد) شدن کنند. ب) به حشرم بده نامه در دست راست (زحولم - هولم) در آن روز بی‌باک کن
۷	تعداد غلط‌های املائی هر گزینه را بنویسید. الف) مصحور کار خود بودم؛ ابدأ توجهی به ماجرای شروع شده نداشتم. بی‌توجهی من و اینکه با نگاه‌ها هیچ اضطرابی نشان ندادم، معلم را در ظنّ خود تقویت کرد. ب) آن‌گاه آگاه شدند که غرقه خاست شد. بانگ و هزاحز و غریو خواست. امیر برخاست.
۸	در هر گزینه املائی یک واژه نادرست است؛ آن مورد را اصلاح کنید. الف) اوست که عادل مطلق است / و خان عدل خود را بر همگان گسترده/ باشد که از میان اسمای صدگانه‌اش/ او را به همین نام بستایم، آمین! ب) بدر در میدان او حلالی بودی و رستم به دست او زالی.
۹	در قسمت اول شعر زیر، نوع رابطهٔ معنایی بین کلمات را بنویسید. او اختران را در آسمان نهاده / تا به برّ و بحر نشانمان باشند.
۱۰	در عبارت زیر ابتدا نقش تبعی را پیدا کرده و سپس نوع آن را بنویسید. مادر فریدون فرانک پسر را به البرزکوه می‌برد و به مردی پاک‌دین می‌سپرد.
۱۱	نوع صفت بیانی موجود در هر گزینه را بنویسید. الف) بنابراین خالهام با همه تمکّنی که داشت، به زندگی درویشان‌های قناعت کرده بود. ب) از این سدّ روان، در دیدهٔ شاه ز هر موجی هزاران نیش می‌رفت
صفحه ۱ از ۴	

۰/۲۵	معنای فعل «شد» در کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟ الف) هنر خوار شد، جادویی ارجمند ب) از شبنم عشق، خاک آدم گل شد ج) یقین، مرد را دیده، بیننده کرد د) چو آتش در سپاه دشمن افتاد	۱۲
۰/۵	با توجه به عبارات زیر، موارد ذکر شده در داخل کمانک را پاسخ دهید. الف) پس از نماز، کس فرستاد و قاضی بوالحسن و پسرش را بخواند و بیامدند، بونصر، پیغام امیر به قاضی رساند. (نوع وابسته پیشین مشخص شود) ب) برافراخت پس دست خیرگشا (نوع وابسته پسین مشخص شود).	۱۳
۰/۲۵	با توجه به شعر زیر، در کدام گزینه، زمان افعال، به ترتیب درست آمده است؟ «گریه کنی اگر / که آفتاب را ندیده‌ای / ستاره‌ها را هم / نمی‌بینی» الف) مضارع التزامی - ماضی بعید - مضارع اخباری ب) مضارع التزامی - ماضی نقلی - ماضی ساده - ماضی استمراری ج) مضارع اخباری - ماضی نقلی - مضارع اخباری د) ماضی ساده - ماضی نقلی - ماضی استمراری	۱۴
۰/۵	در عبارت زیر جمله مجهول را بیابید و آن را به جمله معلوم تبدیل کنید. «پیش از غیبت شمس، شاگردان به مولانا این گونه خبر دادند که شمس کشته شد ولی دلش بر درستی این خبر گواهی نمی‌داد»	۱۵
۰/۵	نقش دستوری موارد مشخص شده را بنویسید. الف) دریاب که مبتلای عشقم ب) آن را امیرالمومنین می روا دارد ستدن. آزاد کن از بلای عشقم	۱۶
۰/۵	برای هر کدام از واژگان مشخص شده، در گذر زمان کدام یک از وضعیتهای چهارگانه پیش آمده است؟ الف) از آن چرم کاهنگران پشت پای ب) آن مرد بزرگ و دبیر کافی، به نشاط، قلم در نهاد. بیوشند هنگام زخم درای	۱۷
۰/۵	با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید. «هلا منکر جان و جانان ما بزن زخم انکار بر جان ما» الف) واژه مشخص شده چه نقش دستوری دارد؟ ب) نوع «و» را مشخص کنید.	۱۸
قلمرو ادبی (نمره)		
۰/۲۵	در بیت زیر «مشبه» کدام واژه است؟ چو لشکر گرد بر گردش گرفتند چو کشتی، بادپا در رود افکند!	۱۹
۰/۵	با توجه به شعر زیر به سؤالات پاسخ دهید. «از شعله به خاطر روشنایی اش / سپاسگزاری کن / اما چراغدان را هم / که همیشه صبورانه، در سایه می‌ایستد از یاد مبر» الف) «شعله» نماد چیست؟ ب) یک «کنایه» پیدا کنید.	۲۰
۰/۲۵	«مجاز» به کار رفته در بیت زیر، چه مفهومی دارد؟ «همی برخروشید و فریاد خواند جهان را سراسر، سوی داد خواند»	۲۱
صفحه ۲ از ۴		

۰/۲۵	اگر بخواهیم قالب چهارپاره را ترسیم کنیم، انتخاب کدام واژه از داخل کمانک، برای قافیه هر بیت، به ترتیب صحیح می‌باشد؟ الف: به یاری خواهیم از آن سوی دریا ب: دمار از جان این غولان کشم سخت الف) (ب) سوارانی زره پوش و (مهیا /کمان‌گیر) بسوزم خانمان‌هاشان به (شمشیر/ بخت)	۲۲																
۰/۲۵	با توجه به عبارت زیر آرایهٔ درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. خاک سوگند برداد به عزّت و ذوالجلالی حق که مرا مبر. (تشخیص – سجع)	۲۳																
۰/۲۵	در مصراع دوم بیت زیر، تکرار واج (مصوّت) «-» باعث خلق کدام آرایهٔ ادبی شده‌است؟ « رو، سر بنه به بالین، تنها مرا رها کن ترکِ منِ خرابِ شبگردِ مبتلا کن »	۲۴																
۰/۲۵	در عبارت زیر آرایهٔ «حس‌آمیزی» را مشخص کنید. خاله‌ام با ذوق لطیفی که داشت، مرا نخستین بار از طریق سعدی با شعر شاهکار آشنا نمود.	۲۵																
۰/۲۵	در بیت « شغال نگون بخت را شیر خورد بماند آنچه روباه از آن سیر خورد»، واژه‌های قافیه سبب خلق چه آرایهٔ ادبی شده‌اند؟	۲۶																
۰/۲۵	کدام یک از زمینه‌های حماسه در بیت زیر وجود دارد ؟ «چو ضحاک بر تخت شد شهریار بر او سالیان انجمن شد هزار»	۲۷																
۰/۵	در جدول زیر برای هریک از موارد ستون «الف» یک آرایه مناسب از ستون «ب» انتخاب کنید. (یک مورد در ستون «ب» اضافی است)	۲۸																
<table><tr><th colspan="2">ستون «الف»</th><th colspan="2">ستون «ب»</th></tr><tr><td>الف</td><td>چون او را در بند بلا بسته دید، زهابِ دیدگان بگشاد و بر رخسار، جوی‌ها براند</td><td>۱</td><td>متناقض نما</td></tr><tr><td>ب</td><td>به رقصی که بی پا و سر می‌کنند چنین نغمهٔ عشق سر می‌کنند</td><td>۲</td><td>تضمین</td></tr><tr><td></td><td></td><td>۳</td><td>استعاره</td></tr></table>			ستون «الف»		ستون «ب»		الف	چون او را در بند بلا بسته دید، زهابِ دیدگان بگشاد و بر رخسار، جوی‌ها براند	۱	متناقض نما	ب	به رقصی که بی پا و سر می‌کنند چنین نغمهٔ عشق سر می‌کنند	۲	تضمین			۳	استعاره
ستون «الف»		ستون «ب»																
الف	چون او را در بند بلا بسته دید، زهابِ دیدگان بگشاد و بر رخسار، جوی‌ها براند	۱	متناقض نما															
ب	به رقصی که بی پا و سر می‌کنند چنین نغمهٔ عشق سر می‌کنند	۲	تضمین															
		۳	استعاره															
۰/۷۵	درستی یا نادرستی موارد زیر را با توجه به آثار و مؤلف آنها مشخص کنید. الف) غزلیات شمس : جلال‌الدین محمد مولوی ب) هم‌صدا با حلق اسماعیل: حمید سبزواری ج) زندان موصل، (خاطرات اسیر آزاد شده، کامور بخشایش): اصغر رباط جزئی	۲۹																
۰/۲۵	غلامحسین یوسفی در کتاب به تحلیل داستان « کاوهٔ دادخواه» پرداخته است.	۳۰																
۰/۲۵	کدام گزینه، مصراع دوم بیت مقابل است؟« خواستم از رنجش دوری بگویم، یادم آمد الف) بی تو حتی مهربانی‌حالتی از کینه دارد ب) عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد	۳۱																
۰/۲۵	مصراع اول بیت زیر به صورت نامرتب آمده است؛ آن را مرتب کنید. انکار - جغد - اما - می‌خواند - به - ویرانه - بر- تو خاک این ویرانه‌ها بویی از آن گنجینه دارد	۳۲																
۰/۵	مصراع دوم بیت زیر را بنویسید. مرا اوج عزّت در افلاک توست	۳۳																
قلمرو فکری(۸نمره) الف) درک مطلب (۴ نمره)																		
۰/۵	مفهوم مشترک دو عبارت زیر را بنویسید. الف) به فرزندان و یاران گفت چنگیز ب) دلاوری‌ها و جان‌فشانی‌های سربازان فداکار و شما افسران عزیز علی‌رغم محرومیت‌های فراوان تا به آنجا بود که دشمن را هم به تحسین و اعجاب واداشت. که گر فرزند باید، باید این‌سان!	۳۴																
صفحه ۳ از ۴																		

۰/۵	نویسنده در عبارت زیر به چه چیزی اعتقاد دارد؟ « در پرواز هدفی والاتر از پریدن به این سو و آن سو وجود دارد».	۳۵																								
۰/۲۵	بیت « کمال عقل آن باشد در این راه که گوید نیستم از هیچ آگاه» با کدام یک از گزینه‌های زیر تناسب معنایی دارد؟ (الف) کمال‌گرایی عقل (ب) تقابل همیشگی عقل و عشق (ج) اظهار عجز از شناخت خدا (د) دشوار بودن راه عشق	۳۶																								
۱	در جدول زیر مفاهیم مرتبط با عبارت ستون «الف» را از ستون «ب» انتخاب کنید. (یک مورد در قسمت «ب» اضافی است) <table><tr><th colspan="2">ستون «الف»</th><th colspan="2">ستون «ب»</th></tr><tr><td>الف</td><td>چه در کار و چه در کار آزمودن</td><td>۱</td><td>چه باشی چو روبه به وامانده سیر</td></tr><tr><td>ب</td><td>تو ز قرآن ای پسر، ظاهر مبین</td><td>۲</td><td>آینده نگری</td></tr><tr><td>ج</td><td>زاغ با خود اندیشید که بر اثر ایشان بروم و معلوم گردانم فرجام کار ایشان چه باشد که من از مثل این واقعه ایمن نتوانم بود.</td><td>۳</td><td>شما در گل منگرید، در دل نگرید</td></tr><tr><td>د</td><td>هزاران سال ما برای پیدا کردن کَلَّةٔ ماهی‌ها و نان مانده در میان قایق‌ها و صخره‌ها تلاش کرده‌ایم و حالا دلیل دیگری برای زندگی داریم: آموختن، یافتن و آزاد بودن.</td><td>۴</td><td>آتکا به نفس</td></tr><tr><td></td><td></td><td>۵</td><td>فروتنی</td></tr></table>	ستون «الف»		ستون «ب»		الف	چه در کار و چه در کار آزمودن	۱	چه باشی چو روبه به وامانده سیر	ب	تو ز قرآن ای پسر، ظاهر مبین	۲	آینده نگری	ج	زاغ با خود اندیشید که بر اثر ایشان بروم و معلوم گردانم فرجام کار ایشان چه باشد که من از مثل این واقعه ایمن نتوانم بود.	۳	شما در گل منگرید، در دل نگرید	د	هزاران سال ما برای پیدا کردن کَلَّةٔ ماهی‌ها و نان مانده در میان قایق‌ها و صخره‌ها تلاش کرده‌ایم و حالا دلیل دیگری برای زندگی داریم: آموختن، یافتن و آزاد بودن.	۴	آتکا به نفس			۵	فروتنی	۳۷
ستون «الف»		ستون «ب»																								
الف	چه در کار و چه در کار آزمودن	۱	چه باشی چو روبه به وامانده سیر																							
ب	تو ز قرآن ای پسر، ظاهر مبین	۲	آینده نگری																							
ج	زاغ با خود اندیشید که بر اثر ایشان بروم و معلوم گردانم فرجام کار ایشان چه باشد که من از مثل این واقعه ایمن نتوانم بود.	۳	شما در گل منگرید، در دل نگرید																							
د	هزاران سال ما برای پیدا کردن کَلَّةٔ ماهی‌ها و نان مانده در میان قایق‌ها و صخره‌ها تلاش کرده‌ایم و حالا دلیل دیگری برای زندگی داریم: آموختن، یافتن و آزاد بودن.	۴	آتکا به نفس																							
		۵	فروتنی																							
۰/۵	عبارت زیر به کدام فضیلت اخلاقی قاضی بُست اشاره دارد؟ « و آنچه دارم از اندک‌مایه حُطامِ دنیا حلال است و کفایت است و به هیچ زیادت حاجتمند نیستم.»	۳۸																								
۰/۵	بیت مقابل، بیانگر چه دیدگاهی است؟ «ما به فلک بوده‌ایم، یار مَلک بوده‌ایم باز همان جا رویم، جمله که آن شهر ماست»	۳۹																								
۰/۵	با توجه به دو بیت زیر جاهای خالی را کامل کنید. «خروشید کای پایمردان دیو بریده دل از ترسِ گیهان خدیو همه سوی دوزخ نهادید روی سپردید دل‌ها به گفتار اوی» کاوه معتقد است که پایمردان دیو از دل بردند و به دل سپردند.	۴۰																								
۰/۲۵	مفهوم این عبارت چیست؟ « در مقابل این قدّ دراز، چشمم سو نداشت»	۴۱																								
ب: معنی شعر و نثر (۴ نمره) معنی و مفهوم اشعار و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.																										
۰/۵	در چاره‌گری زبان کشیدند	۴۲																								
۰/۵	دف عشق با دست خون می‌زنند	۴۳																								
۰/۵	فرض است فرمان بردن از حکم جلودار	۴۴																								
۰/۵	کسی نیک بیند به هر دو سرای که نیکی رساند به خلق خدای	۴۵																								
۰/۵	من هیچ مُستحق نشناسم در بُست که زر به ایشان توان داد.	۴۶																								
۰/۵	اگر ما را آفتی رسد از این شخص، از این موضع تواند بود.	۴۷																								
۱	در وقت فراغ موافقت اولی‌تر، و اِلّا طاعنان مَجّالِ وقیعت یابند.	۴۸																								
۲۰	موفق باشید																									
صفحه ۴ از ۴																										